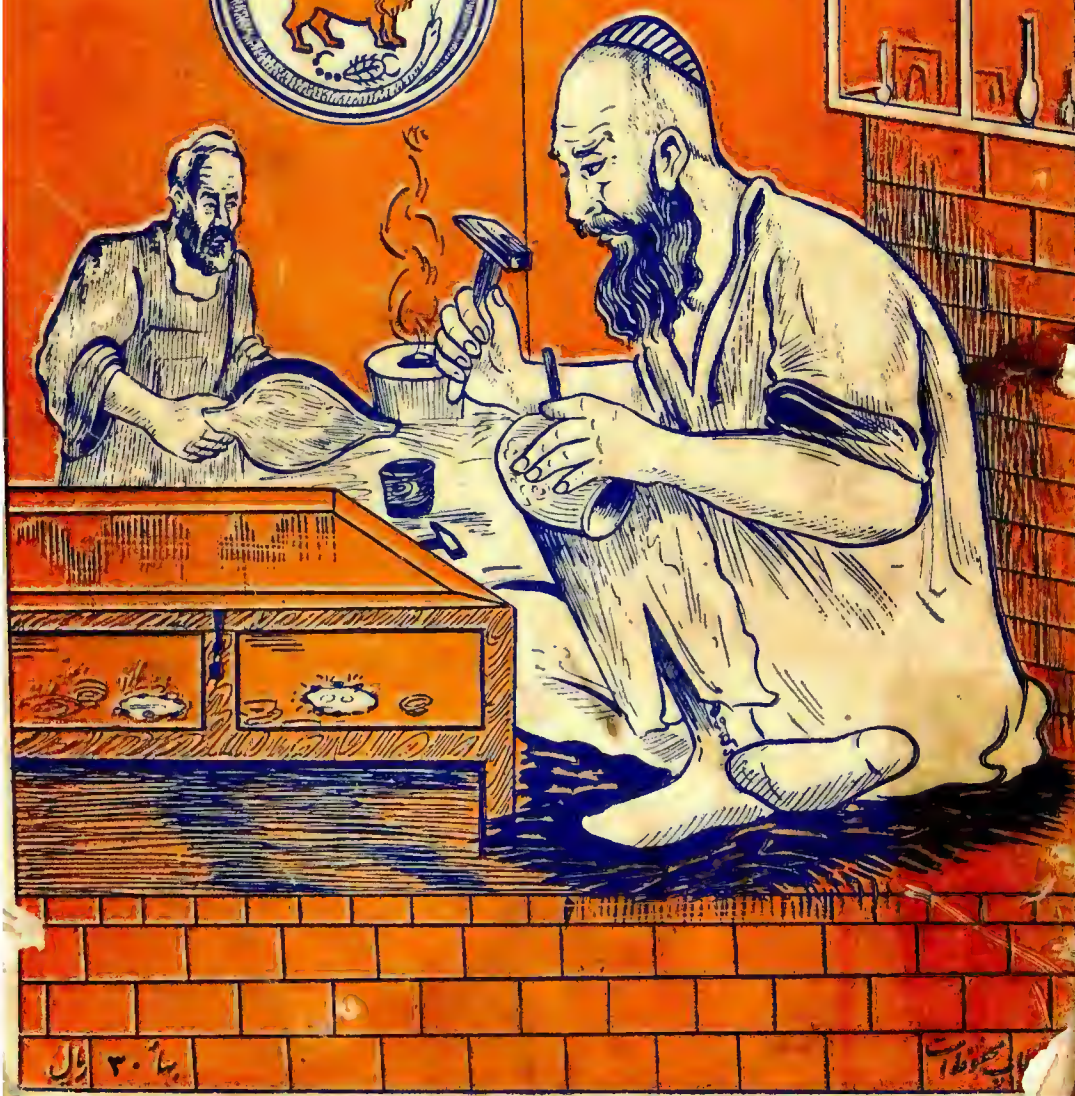


تحقیق در احوال و مذاهب و رسوم صابیان عراق و خوزستان

تألیف:
سینا یمن



Handwritten text in Urdu script, possibly a signature or title, located in the upper right quadrant of the page.

Handwritten text in Urdu script, possibly a signature or title, located in the lower right quadrant of the page.

محدث
۵۳
۳
۲۷

تحقیق در احوال و مذاهب و رسوم

صابیان عراق و خوزستان

تألیف

حسینعلی مهتحن

با تصویب و اجازه وزارت فرهنگ

حق چاپ محفوظ است

مرداد ۱۳۲۷

تهران خیابان ناصر خسرو چاپ آفتاب

مقدمه

در استان زرخیز و پهناور خوزستان، آنجا که فلات ایران بجلگه هموار و وسیع کم ارتفاعی در کنار شط العرب و خلیج فارس منتهی میشود، قومی هنرمند و صنعتگرزندگانی میکنند، که با اولین تماس از سیمای روشن و ریش بلند و لباس و وضع ظاهری وزندگی آنان، میتوان بخوبی پی برد که از سایر سکنه این استان وضعی جداگانه دارند، با آنکه تعداد افراد این طایفه را که بنام صابی یا صبه یا صو با و یا صابئی و بنا بلفظ متد اول و معمول محلی (صبی) میخوانند در ایران بیش از پنج هزار نفر میدانند، هنوز نویسندگان ایرانی در باره آنان آطور که لازم و شایسته است تحقیق نکرده و اگر هم در بعضی از کتابها و نوشته‌ها نامی از آنان برده شده حدود اطلاعات و تحقیقات نویسندگان مزبور از چند سطر یا یکی چند صفحه تجاوز نکرده است، در صورتیکه بیان حال و شرح مذهب و معتقدات این اقلیت زحمتکش و هنرمند که در خوزستان و عراق غالباً بزرگ‌ری و ساختن زیورهای زنانه و قایقهای باری و مسافری و کارهای هنری اشتغال دارند، باید موضوع کتاب یا رساله مفصل و دقیقی قرار گیرد. ضمناً متذکر میشویم که این قوم از نظر تاریخی سابقه طولانی دارند لیکن بواسطه اینسکه در حال گوشه گیری و انزوا بسر میبرند، با سکنه و اهالی نقاط مورد اقامت خود مرابطه و مراوده ندارند و معتقدند که نباید رموز و دقایق مذهبی خود را بمسلمانان یا افراد غیر

صابی آشکار کرد و افراد بیگانه را از اصول مذهب و کیش خود آگاه ساخت لذا از تاریخ و مذهب آنان تا چندی پیش اطلاعات زیادی در دست نبود و غالب مورخان و نویسندگان قدیم که در باره آنان مطالبی مینوشتند، اطلاعات خود را با حدس و گمان آمیخته میکردند و بسا که عده ای از آنان در اظهار نظر مرتکب اشتباهاتی نیز میشدند.



عده ای از مورخان این قوم را از مجوس و نصاری میشمردند و دسته ای معتقدات مذهبی آنانرا مأخوذ از عقاید کلدانی و آشوری دانسته و آنانرا بستمارة پرستی منسوب میداشتند، تحقیقات دامنه دار دانشمندان و خاور شناسان اروپائی از جمله خولسون و نلد که ود کتر ریشتر آلمانی و پرفسور درور Drower انگلیسی و هارتمان و بربری سوئدی و سیلوستر دو ساسی Silvestre de sacy فرانسوی موجب شد که نکات مبهم کیش این طایفه تا حدی روشن شود و کتابهای مختلفی در باره اصول و عقاید و رسوم و آداب اجتماعی این قوم بزبانهای زنده دنیا چاپ شود و در دسترس علاقمندان قرار گیرد نگارنده با استفاده از نظرات دانشمندان مزبور و بامراجعه بآراء و عقاید مورخان اسلامی شرح حال و معتقدات دینی این طایفه را در چهار بخش و پانزده فصل جمع آوری کرده که اینك از نظر خوانندگان میگذرد.

انتظار دارد اگر لغزشی در تدوین این کتاب حاصل شده عدم بضاعت معنوی نگارنده را با عنایت خود جبران نموده در تکمیل و تنقیح مطالب کتاب بپردازند.

از خداوند بزرگ مسئلت دارم که نگارنده را در راه خدمت بمیهن و فرهنگ موفق و پیروز بدارد.

تهران - ۱۳۳۷
حسینعلی ممتحن

بخش اول



فرق صابیان و تحول در افکار و عقاید مذهبی آنان



فصل اول

وجه تسمیه و اشتقاق کلمه صابی



همانطوریکه در مقدمه ذکر کردیم صابئین طایفه‌ای قدیمی هستند که بیشتر از مورخان قدیم نتوانسته‌اند در باره مذاهب و آداب و رسوم آنان مطالبی موافق با حقیقت بنویسند و بیشتر اطلاعات و تحقیقات خود را بصورت گمان و حدس بیان کرده‌اند.

اکنون پیش از آنکه درباره کیش صابیان و فرق مختلفه آنان بحث شود، مناسب میدانم نخست در باره وجه تسمیه و اشتقاق لفظ (صابی) بحث شود، آنگاه با آگاهی از وجه تسمیه این کلمه پیرامون مطالب دیگری بسخن پرداخته شود.

باید دید چرا اینقوم را صابی خوانند؟ و این لفظ از چه ریشه و اصلی گرفته شده است؟ دانشمندان و مفسران و علمای لغت در باره اشتقاق کلمه صابی بمفصیل بحث کرده و هر کدام نظری ابراز داشته‌اند

ابوالفتوح رازی در تفسیر معروف خود مینویسد :

صابی آن باشد که از دینی که جمهور بر آن باشد میل کند و بدینی رود که اندکی مردم بر آن باشند ، و بنزدیک ما از ایشان جزیه نگیرند چه ایشان ستاره پرستند و بنزدیک فقها جاری مجری اهل کتاب باشند ، و اصل کلمه صابی از صبا باشد چه شاعر گفته است .
صبا قلبی و مال الیک میلا و ارقنی خیالک یا انبیا
ای مال و صبا من الصبی اذا طلع .

پس بنا بر عقیده اهل تفسیر چون صابیان از مذهب خود دست کشیده و بمذهب دیگر پیوستند ایشانرا صابئین گفتند و نیز بعضی از مفسران میگویند صبا الرجل دو معنی دارد یکی آنکه شخص از مذهبی بمذهبی تمایل کند و دوم آنکه به چیزی عاشق شود .

ابوالفتح محمد بن عبدالکریم شهرستانی : صاحب کتاب ملل و احوال همچنین عقیده دارد که کلمه صابیه از صبا گرفته شده و گوید « چون این طایفه از منهج حق میلان نمودند ، و از منهاج انبیاء منحرف گشتند ایشانرا صابئیه گفتند چنانکه گفته شده است صبا الرجل اذا عشق و هوی و ایشان گویند الصبوه هو الانحلال عن قید الرجال »

بعضی بر آنند که چون قبله این قوم بسمت باد صبا میباشد آنانرا بدین لحاظ صابی خواندند و بعضی نیز معتقدند که در زمان حضرت محمد ﷺ هر کدام از افراد این قوم که بدین اسلام مشرف میشد دربار او میگفتند (صبا یا یصبا یا صبا یا صبا و یا صبا) و تمام این کلمات دلالت بر این دارد از اینکه کسی از دینی که داشته است دست کشیده و دینی دیگر اختیار کرده است .

جمعی دیگر کلمه صابی را از صبا بمعنی خروج و ظهور نیز

مشتق میدانند چنانکه در زبان عرب گفته میشود صَبَّأَ النجوم (ستارگان آشکار شدند) و بر آنند چون این قوم بر کیش خود خروج کردند و دینی دیگر اختیار کردند آنرا صابی یا صابئی گفتند چنانکه ابو اسحق زجاج صابی را از صَبَّأً بعضی خروج میداند و میگوید (صَبَّأً فلان) یعنی (فلان از دین خارج شد).

فیومی مؤلف کتاب مصباح المنیر که در سال ۷۷۰ هجری در گذشته است میگوید:

(صَبَّأً یعنی کسی از دینی خارج شد، و گروید بدین دیگر و این لقب بر طایفه ای اطلاق میشود که در نهان ستاره پرستند، و بظاهر خود را منسوب بدین نصاری میدانند و آنها صابئَه و صابئون هستند) بعضی گویند چون این طایفه ادعا دارند که پیرو کیش صابی بن شیت آدم میباشند بدین جهت آنرا صابی خوانده اند.

ژسنیوس آلمانی صابی را از صَبَّأ و نث که کلمه ای عبرانی و بمعنی ستاره میباشند مشتق میداند و معتقد است چون این قوم ستارگان آسمانی را پرستش میکردند آنرا صابئین (ستاره پرستان) میگفتند.

پرفسور نولدکه Nöldeke آلمانی کلمه صابی را مشتق از (مصَب) میداند و عقیده دارد چون این طایفه همیشه در کنار آب زندگانی میکنند، و مراسم تعمید (تغسیل) بجای میآورند آنرا صابئین (غسل کنندگان) میخوانند.

صاحب بیان الادیان گوید:

« بعضی از فلاسفه از شهر یونان که ایشانرا صابیون خوانده اند از ایشان این مذهب داشته اند، و صابی در لغت آن بود که از کیشی بکیش دیگر در شود»

دانشمندان اروپائی این طایفه را که در عراق و خوزستان ساکنند بنام (ماندائیان) میخوانند چنانکه ادوارد پروت انگلیسی در کتاب تاریخ ادبیات ایران (جلد اول) مینکارد :

« گذشته از مانویان ماندائیان یا صابئین واقعی باطلافا و بطائع بین واسط و بصره (کلده قدیم) از مظاهر مدنیت قدیم بابل بودند؛ ماندائیان را اعراب مغتسله مینامند و وجه تسمیه مغتسله آنست که این جماعت اکثر اوقات بآداب و رسوم شستشو میپرداختند »

در شماره اول مجله مردم شناسی درباره این طایفه چنین اظهار عقیده شده است :

(طایفه صوبا یا صبه که در میان دانشمندان اروپائی بیشتر بنام **مالدائی** معروفند در حال فعلی عبارت از قوم کوچکی است که قسمتی از آنها در جنوب عراق عرب و قسمت دیگر در خوزستان ایران سکونت دارند تعداد آنان که در ایران ساکنند از پنجهزار نفر تجاوز نمیکند، صوبائیانی که در عراق سکونت دارند گاهی بعنوان (سابینس Sabines نامیده میشوند و بعضیها معتقدند که آنها از باقیمانده های صابئیان قدیم میباشند که در ایام بعید در ایران و جاهای دیگر خاور میانه پراکنده بوده)

در مقدمه ترجمه کتاب آثار الباقیه عن القرون الخالیه

ابوریحان محمد بن احمد بیرونی چنین ذکر شده است X
« کلمه صابی کلدانی است و کلمه ای نازی نیست تا آنکه اشتقاق آن از صبا باشد و این کلمه در زبان کلدانی چنانکه در جلد بیست و

هشتم دائرة المعارف سی و دو جلدی فرانسه ذکر شده بمعنای (شوینده) میباشد زیرا صابون همواره در کنار آبها و نهرها جای دارند و خود را بسیار با آب میشویند و در هنگام جنابت غسل میکنند و شگفت تر اینکه جمعی زیاد از صابون در خوزستان هستند و در کنار کارون جای دارند و ایشان را مفتسله میگویند که درست ترجمه واژه صابی در زبان کلدانی چندین هزار سال قبل است و چون عربها نویسنده کان بدبختانه اصل این کلمه را نمیدانستند گفتند که صبا الرجل دو معنی دارد یکی آنست که شخص از مذهبی بمذهبی تمایل کند و دوم آنست که به چیزی عاشق شود ولی اگر کلمه صابی را کلدانی تشخیص میدادند و میدانستند لازم نیست که همه لغات دنیا از عربی مشتق باشد این اشتقاق را کنار می گذاشتند ،

بعقیده نگارنده با توجه باینکه دانشمندان اروپائی که در احوال صابون تحقیق و مطالعه بیشتری پرداخته اند ، کلمه را محل سکونت صابیان حقیقی میدانند و این طایفه را (ماندائی یا غسل کننده یا شوینده) میشناسند نظر مترجم کتاب آثار الباقیه مبنی بر اینکه لفظ صابی کلدانی است بحقیقت نزدیکتر است تا اینکه این لفظ را ماخوذ از صبا دانسته و در باره آن قائل بتعبیرات گوناگون شویم .

محل سکونت اولیه صابین در باره محل سکونت صابین اختلاف است ، بعضی عقیده دارند که اجداد صابین کنونی مقیم اردن و شام بوده سپس به بین النهرین و ایران مهاجرت کرده و ساکن شده اند. عده ای صابیان را اصولا مقیم کلمه دانسته و بر آنند که سر زمین اصلی آنان بابل بوده است .

پرفورادوار د برون عقیده دارد که صابئین حقیقی بین واسط
و بصره (کلده قدیم) میزیسته اند و صابئین دروغی که بغلط مورخان
آنانرا جزء صابئین واقعی دانسته اند در حران شام زندگانی میکرده اند .
ابوریحان بیرونی در کتاب آثارالاقیه محل سکونت صابئین را
فلسطین دانسته معتقد است که در زمان حمله بختنصر این قوم
باسیری ببابل آمده و مدت زیادی بماندند و باخلاق و رسوم و آداب
بابلیها بتدریج آشنا شدند . امروز بیشتر از نویسندگان و محققین
معتقدند که مرکز نشو و نمای این قوم کلده بوده ، سپس عده ای از
آنان بایران مهاجرت کرده و در سواحل کارون و کرخه بکسب و
کار پرداخته اند .



فصل دوم

طبقات مختلفه صابئين

در بدو امر بنظر ميرسد کليه طوايف و اقوامى که با عنوان (صابى يا صابئيه) مشخص و معرفى ميشوند، داراي کيش واحد و عقیده مذهبى يکسانى ميباشند، در صورتيکه در طى زمان و مکان تحولات و تغييرات کونا کونى در عقیده مذهبى اين قوم پديد آمده و بچند دسته تقسيم شده اند، فقها و دانشمندان اسلامى در باره اجداد صابئين بتحقيق پرداخته و تقسيمات کونا کونى در مورد آنان قائل شده اند.

سيف الدين آمدى که در سال ۶۳۱ هجرى در گذشته است در کتاب (ابکار الافکار) چهار فرقه از صابيان قديم را بدین شرح ذکر ميکند

۱- اصحاب روحانيات - (بضم يا بفتح راء مهمله) بعقیده اين دسته

از صابئين جنسم مر کب از ماده و صورت بوده و ماده را باقتضای طبيعت عدم و نيستى ميباشد - جنگها و خونريزها، کشتارها و ويرانيه، مولود ماده و ماده پرستى ميباشد در حقيقت شروفساد منشائى جز ماده ندارند، در حالیکه روحانيات مر کب از ماده و صورت نيستند بلکه صورت مجرد اند که اسباب خيرو صلاح و حکمت و علم ميباشند. و گویند

روحانیات از انوار آسمانی بوده در حالیکه جسمانیات از مظاهر کثیف دنیوی میباشند. و عقیده دارند که ستارگان مانند شمس و زحل و زهره و عطارد به ثابه بدنهای روحانیات بوده و مسبب تمام آثار و اسباب در موجودات میباشند و دنیا را بسوی نیکی و صلاح و رستگاری رهبری میکنند سرانجام این دسته از قدماء صابئین معتقد بودند که مذهب و کیش خود را از عاذیمون (شیث بن آدم) و هرمس (ادریس) گرفته اند.

۲- اصحاب هیاکل (ستاره پرستان) - این دسته از صابئین در

حقیقت از دسته اول پیروان (روحانیات) بوجود آمده اند بدین معنی که گفتند برای اینکه باروحانیات که به چشم دیده نمیشوند در ارتباط باشیم باید بواسطه ای معتقد شویم که رابط بین ما و روحانیات بوده در عین حال قابل دیدن باشد روی همین اصل ستارگان هفتگانه معتقد شدند، آنگاه به تحقیق در مکان و چگونگی حرکت ستارگان پرداختند، و اطلاعاتی در زمینه مطالع و مغارب آنها بدست آوردند.

شهرستانی در ملل و نحل باین قوم اشاره کرده چنین میگوید:

« روز شنبه جهت زحل تعیین کردند و ساعت اول در آن روز بر عایت مخصوص داشتند و انگشتی بر صورت و هیأت آن کوکب ساختند و بخوری خاص که ملایم اقبال و روحانیت آن کوکب تواند بود استعمال نمودند و بیوشیدنی جامه خاص که بآن کوکب مخصوص باشد متلبس شدند و بدعواتی که مخصوص آن کوکب تواند بود مشغول شدند تا حاجتی که موافق باشد و آثاری که خاص بآن تواند بود استدعا کنند تا حاجت ایشان بنجاح مقرون گردد و در اکثر احوال مرامشان بر وفق نظام محصل گردد و باین نسق حاجتی که مخصوص مشتری باشد در

روز مشتری بهمان اضافات و خصوصیات از خواتیم و عزایم و بخورات و دعوائی که مخصوص مشتری تواند بود از آثار آن کوکب مسئلت نمایند و سایر حاجات هر يك بکوکبی لایق و موافق بمراعات خصوصیات که مناسب آن کوکب باشد موکول دارند و این طایفه کوکب سابعه را ارباب آلهه گویند و حضرت کبریا سبحانی را رب الارباب

والله الالهه گویند. و بعضی نیر اعظم شمس را الهه الالهه و رب الارباب گویند *

مجله مردم شناسی در شماره اول چنین مینویسد :

«مراعات جدی هفته هفت روزه و تعطیل مطلق و جشن هفتگی بعد از شش روز کار و اختصاص این روزهای هفته به هفت ستاره سیار (شارستار) و ترتیب دادن نور از (پیکر هر هفت ستاره روان) که در شمعدان تشریفاتی هفتگانه عبریان قدیم منعکس است و آثار هفت پیکر در (هفتگل) خوزستان روی قلعه کوه که تا بحال باقیمانده سابقه طولانی این قوم ساکن خوزستان را نشان میدهد *

بعقیده نگارنده آثار هفت پیکر در هفتگل که نویسندۀ مقاله بدان اشاره کرده بعید بنظر میرسد که بصائبین خوزستان مربوط باشد چه این طایفه دیر زمانی نیست که از بین النهرین بایران آمده اند و بعضی از نویسندگان آثار هفت پیکر را مربوط به اقوامی غیر از صائبین میدانند بهر حال باید در این باره تحقیق بیشتری بعمل آید تا ارتباط هفت پیکر با این طایفه مسلم گردد. *

⊗ عده ای معتقدند که چون لرهای ساکن منطقه هفتگل از ایل (ارکی) در جنگی که با اعراب آنجود نمودند فائق شدند بیاد این پیروزی (هفت گل سنگی) بنا کردند که بعدها پس از شروع با کشف و حفر چاههای نفت این ناحیه هفتگل نامیده شد و نیز گویند چون عده کشته شدگان عرب هفت نفر بود برای هر نفر کشته یک گل (علامت یادبود) برقرار داشتند (سالنامه فرهنگ خوزستان)

۳- اصحاب اشخاص (بت پرستان) - بت پرستان معتقد

بروحانیات بوده لیکن میگفتند چون بشر ناچار بواسطه ای میباشد تا بین روحانیات و او روابط باشد و ستارگان هفتگانه در بعضی مواقع دیده میشوند و در بعضی اوقات دیده نمیشوند باید بواسطه هائی متوسل شد که همیشه به چشم دیده شوند تا بواسطت آنها بتارگان (هیاکل) و بوسیله ستارگان بروحانیات و سرانجام بحضرت کبریاء سبحانی تقرب حاصل گردد.

روی همین گمان و عقیده باطل بساختن بتها بمانند ستارگان هفتگانه، از آهن و فولاد پرداختند و برای بت های ساخته شده همان مراسمی معمول داشتند، که برای ستارگان انجام میدادند، و این دسته را علماء اسلامی (عبده اوثان) خوانند خداوند در قرآن کریم چندجا باین طایفه اشاره کرده و درجائی میفرماید **اتعبدون ما تلتحقون؟ والله خلقکم و ما تعلمون** آیا چیزی را که ساخته خودتان است میپرستید؟ خداوند شمارا آفرید و نمیدانید. سرانجام حضرت ابراهیم خلیل بر علیه این دسته قیام کرد و بر پدر خود آذر که از سازندگان بت بود و براه راست هدایت نمیشد خشم گرفت و بت های او را بشکست و فرمود:

یا ایها لاتعبد الشیطان ان الشیطان کان للرحمن عیسیا

۴- حرثانیه یا حلوئیه و اهل تناسخ - این دسته معتقد بودند

که صانع هم واحد است و هم کثیر، واحد است از نظر ذات و ازل و اصل، و کثیر است در افراد و اشخاص، و میگفتند که خداوند نخست اجرام آسمانی را پدید آورد و ستارگان را مدبر عالم هستی قرار داد،

روی همین اصل بر این عقیده بودند که خداوند درستار گان سبعة ظاهر میشود و نیز در افراد و کسانی که متصف بملکات فاضله هستند ظهور میکند، و نیز میگفتند که پروردگار در هر سی هزار و چهارصد و بیست پنج سال دنیای قدیم را از میان برده و دنیای جدیدی جایگزین آن میکند و بدین سبب معتقد بروز رستاخیز نبودند. خداوند در قرآن کریم در باره عقاید سخیفه این قوم چنین میفرماید:

ایمدکم انکم اذا متم و کنتم تراباً و عظاماً انکم مخرجون، هیهات هیهات لما توعدون.

این بود شرح مختصری از عقاید صابئین قدیم موافق آنچه در کتابهای معتبر ذکر شده است.

دسته‌ای از مورخین و محققین صابیان را از نظر محل سکونت و عقاید و کیفیت پیدایش آنان بسه دسته بدین شرح تقسیم کرده اند.

۱ - صابئین قرآن خداوند در قرآن کریم، سه‌جا از صابئین

بدین ترتیب ذکر فرموده است.

در آیه ۶۲ از سوره ۲ (سوره بقره) میفرماید

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مِنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَكَانُوا صَالِحِينَ فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. آنان که ایمان آورده‌اند یهود و ترسا و صابئین، اگر ایشان عمل نیکو بنمایند و بخدا و روز رستاخیز بگروند از برایشان پاداشی است و ایشان را ترسی و باکی نیست.

۲ - در آیه ۶۹ از سوره ۵ (سوره مائده) میفرماید.

ان الذین آمنوا و الذین هادوا و الصابئون و النصاری من آمن بالله

والیوم الآخر و عمل صالحاً فلا خوف علیهم ولا هم يحزنون .
آنانکه ایمان آورده اند و آنهائیکه یهود و صابئین و نرسان هستند
هر کدام عمل نیکو بنمایند و بخداوند و روز رستاخیز بگروند ایشان
رائسی و باکی نیست .

۳ - در آیه ۱۷ سوره حج (سوره حج) میفرماید .
ان الذین آمنوا و الذین هادوا و الصابئین و النصاری و المجوس
والذین اشرکوا ان الله یفصل بینهم یوم القیامه ان الله علی کل شیء شهید .
آنان که ایمان آورده اند و آنان که یهودی هستند و نرسانان
و مجوس و صابئین و آنان که مشرک میباشند بدرستی که خداوند در
روز قیامت میان ایشان داوری خواهد کرد و او بر هر چیز
گواه میباشد .

ابوالفتوح رازی در تفسیر خود عقاید فقهاء و مفسرین اسلامی را
در مورد این فرقه از صابئین چنین ذکر میکند :
سدی گفت ایشان قومی اند از اهل کتاب و ذبایح ایشان
ذبایح اهل کتاب نبود عبدالله بن عباس گفت ذبایح ایشان حلال نباشد
و با ایشان مناجاهت نشاید کردن . *

مجاهد گفت ایشان اهل کتاب نباشند بل قبیله ای از شامند
میان کبر کی و یهودی و ایشانرا دینی نیست مقاتل گفت قومی اند
که بخدای تعالی مقرند و فرشتگان را پرستند و زبور خوانند و نماز

* ذبیحه یعنی حیوان سربریده و چون عقیده مسلمانان بر آنستکه اگر
مشرکی سر حیوانی را برید خوردن گوشت آن حیوان حرام خواهد بود از اینروی
فقهای اسلامی برای آنکه بدانند ذبیحه صابئین حلال یا حرام است در کیش آنان
بخت میکنند .

کنند بجانب کعبه و از هر دینی چیزی گرفته اند کلبی گفت جماعتی هستند میان جهودان و ترسایان میان سرتراشند و خود را خصی کنند ابن زید گفت قومی اند در جزیره موصل لاله لاله گویند بر رسول خدای ایمان ندارند .

چنانکه ملاحظه میشود علماً تفسیر آنچه که در باره این قوم گفته اند از یک دیگر مأخوذ بوده و گفتار آنان غالباً مقرون بصواب نمیشود .

۴- صابئین بطائح یا مندائیه - بطائح جمع بطیحه بوده و معنی کلمه مسیل پهناوری است که پر از شن و ماسه و سنگریزه باشد و چون در جنوب عراق بین واسط و بصره ، بسبب باران و سیلهای زیاد آب فراوانی وجود میآید ، بدینجهت اراضی آن ناحیه را بطائح خوانند ، بهر حال بعقیده دانشمندان و خاورشناسان اروپائی صابئین واقعی و حقیقی آنهایی هستند که در بطائح بین واسط و بصره (کلدیه قدیم) میزیستند و اروپائیان آنانرا ماندائی یا شوینده لقب داده اند ، پیش از این هم متذکر شدیم که ادوارد برون انگلیسی در جلد اول کتاب تاریخ ادبیات ایران از این قوم نام برده است .

پرفور خولسون آلمانی که در باره صابئین تحقیقات مفصلی

کرده در صفحه ۱۰۰ کتاب (صابیه و صابیسم) یادآور میشود که میان صابئین واقعی (صابئین بطائح یا کلدیه) و صابئین دروغی حران (میان راه حلب و ماردین) باید فرق گذاشت چه از سال ۸۳۰ میلادی باینطرف مورخین دو دسته از مردم را تحت این عنوان باهم اشتباه کرده اند و حال آنکه بکلی از یکدیگر متمایز هستند .

دسته اول جماعت ماندائیان یا مغتسله کلدیه (صابئین حقیقی) بوده و دسته دوم بت پرستان سریانی میباشند که در حران اقامت داشته و بغلط بشرحی که در آینده توضیح داده خواهد شد، آنانرا صابئین خوانده اند.

مؤلف کتاب (الصائبون فی حاضرهم و ما ضیهم) * در باره صابئین بطائحه مینویسد:

(طایفه ای اکنون در عراق زندگانی میکنند که مظاهر زندگی



یک نفر از صابیان مقیم خوزستان

و وضع لباس و قیافه آنان باریش و سیبیل بلند و موی انبوه سر نشان

میدهد که از سایر سکنه عراق متمایز هستند و شاید این قوم که قسمت مهمی از معتقدات و رسوم و سنن صابئین قدیم را مانند احترام بستارگان و توجه بستاره جدی حفظ کرده اند و مراسم مذهبی خود را در کنار آبهای جاری انجام میدهند از صابئین اصلی باشند (.....).

ابوالحسن علی بن حسین مسعودی صاحب کتاب مروج الذهب

و معادن الجواهر هنگامیکه از پادشاهان ایران بحث میکنند مینویسد :
(در زمان پادشاهی طهمورث مردی بنام بوداسف ظهور کرد که کیش صابئه را بوجود آورد و عقیده این مرد چنین بود ، که تمام مظاهر طبیعت و عناصر خلقت ، مربوط بستارگان آسمانی است ، و این ستارگان مدبر و نظام دهنده جهان وجود هستند ، باظهار این عقیده عده ای از کمراهان و افراد بی اراده و نادان پیرو او شدند ، و در محل بین واسط و بصره ، در بطایح عراق مقیم گشتند ، و این دسته از صابئین با صابئین مقیم حران از نظر مذهب و عقیده اختلاف دارند (.....))

ابوالحسن علی بن یوسف معروف بابن قفطی (در کتاب تاریخ الحکماء)

مینویسد .

(بین ابا حنیفه و صاحبیه (ابا یوسف و محمد) بر سر نکاح با صابئین و خوردن ذبائح آنان اختلاف است ، ابو حنیفه نکاح با صابئین و خوردن ذبائح آنان را حرام میداند ، در صورتیکه صاحباه حلال میدانند و اساس این اختلاف عقیده از اینجا ناشی شده که ابو حنیفه در باره صابئین حران که معروف به پرستش ستارگان و بتها هستند ، اظهار عقیده میکند ، در حالیکه صاحباه در باره صابیان مقیم عراق که فرقه ای از نصاری و اهل کتاب میباشند بحث کرده و فتوی بجواز نکاح

و خوردن ذبایح آنان میدهند)

با مقایسه گفته مسعودی و ابن قفطی میتوان بخوبی پی برد که میان صابئین حران و صابئین بطائح علیرغم اشتراك و وحدت اسم از نظر عقاید دینی اختلاف کلی وجود دارد، ضمناً باید اضافه کنیم که نظریه ابن قفطی مبنی بر مسیحی بودن صابیان عراق اشتباه است و این اشتباه از اینجا ناشی شده که این فرقه مانند مسیحیان مراسم تعمید را بجای میآوردند (در باره تعمید و مراسم آن فصلاحت خواهیم کرد)

چرا صابئین مقیم بطائح را مندائی خطاب کردند ؟ قبلاً

متذکر شدیم که خاور شناسان و مورخین اروپائی صابیان بطائح را مندائی میخوانند و میگویند چون این قوم بسیاری از اعمال مذهبی خود را با شستشو و غسل انجام میدهند بدین مناسبت آنانرا مندائی یا شوینده باید نامید، و نیز درجائی که از کلمه صابی و اشتقاق آن سخن میرفت گفتیم که بنا بر عقیده ای لفظ صابی کلدانی و بمعنی شوینده میباشد و بعضی بر آنند چون این طایفه بزبان مندا یا مندائی سخن میگویند آنانرا مندائیه خوانده اند.

تئود ربرگونی (برقونی) در کتاب اسکولایون درباره مندائیان

چنین می گوید

مردی بنام آدوار حدیاب بسوی میسان^۲ با عائله خود کوچ کرد و چون بضاعتی نداشت و بیمار و مریض بود، گدائی را پیشه خود

۱ - زبان مندائی زبان سامی نزدیک به سریانی میباشد و هنوز این قوم ادعیه خود را باین زبان میخوانند.

۲ - میسان ناحیه ای در جنوب عراق واقع در کنار شطالعرب بوده که بعدها قسمتی از آن بنام خرسنه نامیده شد، اسکندر آن ناحیه را بنا کرد و اکنون محمره (خرمشهر) نامیده میشود ترجمه از (المنجد)

ساخته بود، هنگامیکه بنهر کارون خوزستان رسید بخدمت شخصی بنام بابا بن تنیسی درآمد و چون نتوانست خدمت او را که باغبانی و نگهداری نخلستان او بود انجام دهد، بابا مجبور شد برای او کلیه محقری در راه عمومی بسازد تا نیکوکاران باو کمک کنند، پس از چندی عده‌ای زیاد به پیروان او اضافه شدند و بنا به عادت گدایان هنگام در یوزکی شروع بکوبیدن در ها کردند و این قوم گدا پیشه را در منطقه میسان (مندائیه) خواندند، تئودر برقونی اضافه میکند که پیروان آدو پس از گذشت مدتی از زمان افزونی پیدا کردند و بنام



منظره عمومی ۳ نفر از صابیایان ساکن خوزستان (دشت میشان)

صابئه یا مفتسله نامیده شدند، و کلیه اعمال دینی آنها انجام نمیشود، مگر اینکه باشستشو و غسل همراه باشد

دکتر ریتر خاور شناس معروف آلمانی در رساله ای که در باره

صابئین در سال ۱۹۳۱ میلادی انتشار داده مینویسد :

(صرفنظر از تشابه اسمی که میان صابئین حران و صابئین دجله وجود دارد ، باید بگوئیم که میان عقاید و کیش آن دو طایفه اصولاً مناسبتی وجود ندارد چه حرانیان اسم خود را برای رهایی از تعقیب و مزاحمت مسلمانان از قرآن کریم گرفته و خود را صابئین نامیدند در حالیکه صابیان دجله طایفه ای یهودی هستند که از کیش خود دست کشیده و پیرو یوحنا تعمیددهنده شدند و چون دیدند که پیروان عیسی بر پیروان یوحنا غلبه یافتند از اردن بسوی عراق مهاجرت کرده و در کنار دجله ساکن گشتند)

۳ - صابئین حران - دسته سوم از صابئین که بکرات از آنها

ضمن معرفی سایر دسته ها اسم برده شده ، صابئین حران میباشد .

حران ناحیه ای در شام (بین حلب و ماردین) میباشد که مسکن طایفه ای هوشمند و زیرک بوده است ، پرفسور خولسون آلمانی در باره پیدایش صابیان حران چنین مینویسد :

(هنگامیکه مأمون خلیفه عباسی در آخرین جنگ خود با رومیان شرقی از ولایت حران میگذشت ، میان مستقبلین پاره ای اشخاص را مشاهده کرد که قیافه های غریب و نا مانوس و موئی بی اندازه بلند و قباهای تنگی داشتند ، مامون از شکل آنها بحیرت آمد و هویت آنان را پرسید ، جواب دادند (حرانیان) باز هم پرسش کرد در پاسخ گفته شد که نه ترسا و نه مجوس و نه یهودند ، خلیفه خواست بداند آیا کتاب مقدس یا پیامبری دارند ؟ ولی جواب مبهمی شنید ، بالاخره یقین حاصل

کرد که آن افراد از بت پرستان میباشند، پس گفت یا کشته شوند، یا اسلام آورند، یا بیکی از مذاهبی که خدای تعالی در کتاب خود فرموده است گرایند، بآنها مهلت داد که تا باز گشت وی از جنگ تصمیم خود را بگیرند، این تهدیدات وحشتی چنان در دل حرائیان انداخت که موهای بلند خود را زدند، و جامه های مخصوص خود را کنار گذاشتند، و بسیاری از آنها بآئین مسیح در آمدند، لیکن عده ای از آنها باقی ماندند، و مذهب خود را از دست ندادند، و بسیار دچار نگرانی و اضطراب بودند، تا اینکه یکی از فقهای اسلام حاضر شد، در برابر اجر و پاداشی راه حل این مشکل را بدانها نشان دهد.

زرناب بمقادیر بسیار، از خزائن خود برای فقیه آوردند، فقیه بآنها نصیحت کرد که چون مأمون در بازگشت از سفر بار دیگر از آئین آنها سؤال کند خود را از طائفه صابئین معرفی کنند، زیرا در قرآن ذکری از صابئین شده است، ولی چون اطلاعات مربوط بصابئین کم است، تغییر اسم مستلزم تغییر معتقدات یا آداب و رسوم آنها نخواهد بود. اما مأمون از سفر خود بازنگشت و مرك گریبان او را در آن سفر بگرفت و اغلب حرائیان که خود را مسیحی خوانده بودند فوراً و علناً مسیحیت را ترك گفتند و بکیش دیرین خود در آمدند، ولی برادران دینی آنها که اسلام آوردند جرأت نکردند بکیش قدیم خود برگردند زیرا مجازات مرتد در شرع اسلام قتل است و از آن تاریخ تا کنون نام صابی را برای خود حفظ کرده اند چه قبلاً در حران و اطراف آن کسی بنام صابی وجود نداشته است.

پرفسور ادوارد برون میگوید: صابئین حران که از بازماندگان

بت پرستان سریانی و قدیم بین النهرین میباشند جماعتی از مردم روشنفکر و دانشمند بشمارند که روحاً اشرافی و متعین بوده و در کسب علوم ممتاز و آثار فراوان خود را بادیات سریانی و عربی در مباحث کوناگون مشحون ساخته اند .

ابوریحان بیرونی مؤلف کتاب آثار الباقیه و ابن ندیم مؤلف الفهرست نیز بین صابئین کلدی و صابئین حران اختلاف زیادی قائل شده و منشأ و مذهب اولیه آنانرا یکی نمیدانند .

در ذیل صفحه ۱۳۳۱ برهان قاطع در باره صابئه چنین اظهار

نظر شده است .

صابئه Sabéens بدو فرقه ممتاز اطلاق شده - ۱ صابیان Mandéens

که فرقه یهودی مسیحی بین النهرین (پرویحی معمد) میباشند ۲ - صابئان حران فرقه مشرکی که مدتی دراز در عهد اسلام وجود داشته اند . در ذیل صفحه ۲۱۰ ترجمه کتاب ملل و نحل صابئین به سه دسته

بدین شرح تقسیم شده اند .

۱ - دسته ای از اعراب مشرک مکه که پیش از ظهور حضرت

محمد ﷺ در کیفیت عقاید مشرکانه ایشان تحول پیدا شده و بتوحید نزدیک میشدند و اینها کسانی هستند که در قرآن کریم صابئین خوانده شده و در ردیف یهود و نصاری در آمده اند .

۲ - صابیه حرانی بقایای مذاهب یونانی و رومی که

در شهر حران بجهات متعددی در مقابل کیش عیسوی مقاومت کرده تا دوره اسلام باقیمانده بود و وقتی از طرف مأمون عباسی به پیروان آنان تکلیف شد ، که یکی از ادیان دارای کتاب به پیوندند ، اینان

کلمه صابئین را برای خود برگزیدند ، و همین دسته هستند که شهرستانی در ملل و نحل از آنها بحث میکند .

۳ - صابیه بین النهرین که خود را از پیروان یحیی بن زکریا میدانند ولی در حقیقت از بقایای مذاهب کلدانی و بابلی هستند که باقتضای عوامل تاریخی تغییر شکل واسم پیدا کردند .



با توضیحی که در باره تقسیمات صابئین داده شد ، خوانندگان محترم خواهند دریافت ، مهمترین فرقه‌ای از صابیان که اکنون وجود دارند و مراسم تعمید را چون مسیحیان بجای می‌آورند صابیان مقیم بین النهرین و خوزستان هستند (صابئین بطائح و کارون) که قسمت مهم آنها در کنار دجله و عده‌ای نیز در کنار کارون و کرخه در خوزستان ساکن می‌باشند ، و چون از صابیان حران بیش از آنچه که گفتیم اطلاعی در دست نیست و اگر هم باشد مورد نیاز و بحث ما نمی‌باشد ، از اینرو ، در باره مذاهب و عقاید و رسوم و سنن صابئین عراق و خوزستان به تحقیق و تشریح می‌پردازیم .

فصل سوم



تحول در افکار و عقاید مذهبی صایان



اگر با نظری دقیق بتاریخ ادیان و مذاهب ملل رجوع کنیم بخوبی در مییابیم که بشر در طی زندگانی طولانی و پر حوادث، روش ثابت و پا برجائی در باره اصول و عقاید مذهبی خود نداشته است، بتدریج که بر مشکلات کیتی و موانع طبیعی فائق آمد، و بر اسرار وجود و رموز هستی تا اندازمای آگاهی پیدا کرد، در عقاید مذهبی و دینی او تحول پیدا شد، بطوریکه ابتداء بواسطه عدم رشد فکری و عقلی وی اطلاع بودن از قوانین طبیعی کوچکترین پدیده جهان وجود را معجزه میدانست، و متوسل بجادو و طلسم میشد، نذر ها و قربانیها میکرد، بدعا نویس و جادو گر طایفه پناه میبرد، و از او استرحام میکرد، غرش رعد، برق صاعقه، غریب باد، و صدای هراس انگیز طوفان، برای او عواملی اسرار آمیز و شگفت انگیز بشمار میرفتند، و از همین روی برای این عناصر عنوان خدائی و رب النوعی قائل شد، چنانکه عنوان خدای رعد و رب النوع طوفان و باد در بسیاری از اساطیر و داستانهای قدیمی مذهبی رومیها، یونانیها، مصریها و بسیاری از ملل نیز دیده میشود.

صابیان هم چون سایر ملل دارای افکار و عقاید مختلفه مذهبی بودند؛ بتدریج که با اصول تمدن آشنا شدند و بمظاهر طبیعت تا اندازه‌ای واقف گشتند در افکار آنان پیشرفت و تحول حاصل شد. با تمهید این مقدمه میتوان درباره تحول افکار و کیش صابیان بچهار دوره قائل شویم

۱- پرستش مظاهر طبیعت بین علماء تاریخ ادیان در این موضوع

اختلاف است، بمعقیده بعضی بشر قبل از پیروی مظاهر طبیعت. بمظاهر روحی و معنوی و یکتا پرستی قائل بوده است، جمعی دیگر معتقدند که پدیده‌های طبیعت نخست بشر را بسوی خود کشانده، بعداً او را به یگانه پرستی و ایمان بحق رهبری کرده است، بهر حال پرستش و تعظیم پدیده های طبیعت، همواره مورد نظر انسان بوده و تمدن و شهر نشینی نتوانسته است، او را از عقاید سابق خود منصرف کند، چنانکه يك نظر بتاریخ مصر و یونان و روم قدیم این نکته را بخوبی ثابت و آشکار میکند. صابیان همواره با آسمان نظر داشته و برای اجرام آسمانی احترام خاص قائل بودند بطوریکه ستارگان هفتگانه رامدبر و نظام دهنده اجتماع دانسته و حاکم بر سر نوشت افراد میدانستند، برای ستارگان قربانیها و نذرها میکردند، و اوراد و اذکار خاص میخواندند، و تمام اعمال دینی خود را بنحوی انجام میدادند که موجبات جلب رضایت ستارگان فراهم آید. صورت ستارگان را برنکین انگشتی خود نقش میکردند و در اوقات معین برای آنها مراسم خاص مذهبی معمول میداشتند، اکنون هم صابئین عراق و خوزستان قسمتی از عقاید دینی گذشته را که احترام بستارگان میباشد رعایت میکنند و مورد توجه قرار میدهند.

ستاره قطبی یا جدی نیز احترام مخصوصی نزد صابیایان در گذشته و حال دارد چه بواسطه ثابت بودن مکان این ستاره در آسمان کلیه اعمال دینی باید با توجه بسوی این ستاره فروزان انجام شود و چنانکه در حین اعمال مذهبی توجه عبادت کنند به ستاره مزبور معطوف نشود کلیه اعمال دینی او باطل خواهد بود .

۴- بت پرستی و نشانه گزاری - بعد از ستاره پرستی که مدنی زیاد بطول انجامید ، بت پرستی و نشانه گزاری فرارسید ، این دوره را بنام دوره دوم تطوّر و تحول افکار مذهبی نام گذاشته اند ، در این دوره مجسمه هائی ساختند ، و نام ستارگان بر آنها گذاشتند ، و در وسط آنها و مجسمه ها اشکالی از ستارگان نقش کردند ، و بر بالای بلندى علامات و نشانه هائی بر قرار داشتند. ابوالحسن علی بن حسین مسعودی در کتاب مروج الذهب چنین بیان میکند :

(صابئین مدت زیادی به پرستش ستارگان پرداختند ، و علت احترام بستارگان آن بود که علمای دینی آنها میگفتند که این اجرام آسمانی واسطه میان مخلوق و خالق میباشند باید آنها را احترام گذاشت و رضایت خاطرشان را بوسیله قربانی و خواندن ذکر و انجام بخور فراهم کرد ، پس زمانی که ستارگان مزبور بوسیله عوامل جوی و تغییرات نجومی از نظر پنهان میشدند ، بفکر افتادند که اجسامی بصورت و هیئات آنها تهیه کنند و بتعداد ستارگان بزرگ معبد ساخته و هر يك از آنها را در معبد مخصوص بخود جای دهند و هر دسته از صابئین ستاره ای را پرستش کردند ، و بتی مخصوص بنام آن ستاره بساختند .

و نیز معتقد بودند که برای ستارگان آسمانی در عالم خاکى رمزی

وجود دارد، چنانکه آتش و آب و هوا را از رموز خاص آن کواکب میدانستند و بآن عوامل احترام و تکریم میکردند.

۳- دوره تعلیل و تحلیل در این دوره علم و فلسفه داخل مذهب

شد و بحث و استدلال اساس کار را تشکیل داد از کیفیت و قدرت ستارگان سخن گفته شد و از چگونگی روابط آنها با خالق گفتگو بمیان آمد، به عقیده بسیاری از محققین علم تاریخ در این دوره، انبیاء ظهور کردند و باد لائل منطقی بر علیه ستاره پرستی و بت پرستی قیام، و مردم را بسوی یگانه پرستی دعوت کردند چنانکه در این دوره حضرت ابراهیم ظهور کرد و بر علیه بت پرستی برخاست، کیش صابئین در این دوره از تاثیر فلسفه یونان بی نصیب نماند و بسیاری از تعالیم آنها از فلسفه یونان اقتباس شد.

۴- پیروی از یوحنا معبدان در این دوره صابیان از یوحنا پیروی

کردند و مراسم تعمید را بجای آوردند، به عقیده صابئین نبی موعودی که مجددا ظهور خواهد کرد، یوحنا میباشد و او را پیغمبر مخصوص بخود میدانند و برای او عظمت و مقام بزرگی قائل هستند.

به عقیده بعضی کیش صابئین هنگام ظهور عیسی (ع) از میان برداشته و این قوم پیرو کیش مسیح شدند در حالیکه بعضی دیگر این عقیده را خطا دانسته معتقدند که مذهب قدیمی صابئین از میان نرفت چنانکه احترام بکواکب و ستارگان هنوز در میان این قوم باقی میباشد.

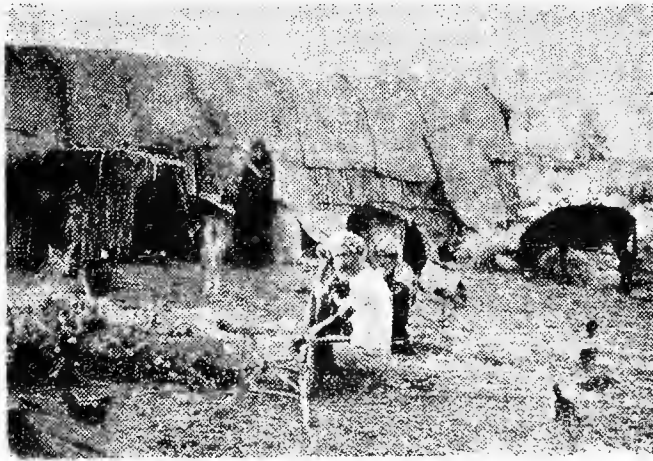
الف) ال پی ال اول ساتن انگلیسی درباره مذهب صابیان و تاثیر کیش

آنان در مذهب اعراب مکه و مدینه در دوره جاهلیت مینویسد: (مکه و مدینه از شهرهای حجاز که در سر راه کشور حاصلخیز و پر نعمت یمن قرار داشتند، از شهرهای عمده عربستان بشمار میآمدند و در این دوشهر مذهب اعراب بواسطه نفوذ محیط خارج اصلاح گردید، قویترین عنصر

و عامل این نفوذ خارجی، آئین ماندائیان یا صابیان که آنرا یمنی هم میگویند بود که با احتمال قوی از ریشه بابلیها میباشد، اساس این آئین ایمان بخدای یگانه بود که شاید قبل از توحید یهودیان و مسیحیان در میان اعراب رسوخ داشت.

اما نباید فراموش کرد که توحید آئین موسی و عیسی هم در میان عربها نفوذ زیادی داشته است، آئین ماندی یا ماندیان تا کنون در میان صابیان کشور عراق باقی است.

سیاحان و جهانگردانی که بخاور میانه میآیند آثار حکاک صابیها را خوب میشناسند که بنام کارهای عماره شهرت دارد چون صابیهار سوم تعمید



نمایی از خانه یکنفر صابی در کنار رود خانه کرخه

رامجری میدارند بعضیها اشتباهاً آنرا ایرویحی تعمید دهنده دانسته اند.) باید در اینجا یاد آور شویم که نظریه ال پی الول ساتن خود مبنی بر اشتباه است زیرا چنانکه گفتیم یحیی بن زکریا پیغمبر خاص این قوم بشمار میرود و تعلیمات او بطور دقیق مورد عمل واجرا میباشد.

بخش دوم

عقاید مذهبی صابیایان عراق و خوزستان

فصل اول

آغاز خلقت - خلقت آدم - جهان وجود - طوفان نوح

ستاره جدی - جهنم و بهشت - معاد

صابئین خدای یگانه را میپرستند و او را از عالم ماده و طبیعت برکنار میدانند، خدا را محسوس نمیدانند و او را علت وجود هستی و آنچه در جهانست میدانند و معتقدند که خداوند ۳۶۰ فرشته آفرید و بعضی از آنها را مأمور ارشاد و راهنمایی خلق کرد.

این فرشتگان از عالم نهان خبر دارند و از برای هر يك عالمی از نور وجود دارد، باصناف خود ازدواج و تولید مثل میکنند، منتهی ایجاد نسل از نمره ازدواج آنان نیست بلکه از برای هر يك کلمه ای است که بمجرد اداء آن کلمه زن آبستن میشود و فرزند بوجود میآورد. تمام فرشتگان تحت امر فرشته بزرگی هستند که مقامی بس بلند دارد و او را (هاری ادر بوئا) گویند و بعد از او فرشتگان دیگری

هستند که بنام (شیشلام ربا) و (مندادهی) و (هیبل زیوا) و (سام زیوا) نامیده میشوند و همچنین یحیی را در ردیف این فرشتگان بشمار میآورند .

صابیان بارواح شیطان و موفی معتقد میباشند و این ارواح را (مولوخون) مینامند و معتقدند که این ارواح بشر را بسوی گناه و بزه میکشاند .

خلقت از نظر صابیان - بمقیده این طایفه اول موجودی که خداوند آفرید شخصی روحانی بنام (هی قدامایی) بود و پروردگار بزرگ با او عده زیادی آفرید سپس وجود ثانی را (هی ثنیائی) آفرید و بعد مخلوق سوم را ایجاد کرد - صابئین زمین را گرد میدانند ؛ لیکن برای آن حرکتی قائل نیستند و معتقدند که زمین بین دو هوا قرار گرفته و زیر زمین دریای وسیعی وجود دارد و گویند که پروردگار پس از ایجاد زمین ، از عالم انوار (آلمی دنهورا) فرشتگانی بسوی زمین فرستاد که بکشت بذر و غرس درخت پردازند و میگویند که آسمان از هفت طبقه بوجود آمده و خورشید در طبقه چهارم و ماه در طبقه هفتم قرار گرفته و ماده اصلی زمین و آسمان آب و آتش است و جمیع مخلوقات و موجودات زنده از این دو عنصر ترکیب یافته اند ، و چهار طبع مخالف را (صفراء سوداء - بلغم - رطوبت) دارا میباشند .

خلقت آدم صابیان بوجود آدم قائلند و او را آدم بقره یا مادی مینامند و گویند چون خداوند بر خلقت آدم مصمم شد ابتهامیل پسر هیبل زیوا (جبرائیل) را بزمین فرستاد تا از خاک صورتی بوجود آورد و از پهلوی چپ صورت (حوا) را آفرید و روح القدس را در هیئات

خاکی آدم و حوا وارد کرد و بوسیله فرشتگان بآدم پیشه و هنر آموخت، سپس خداوند بفرشتگان آتش امر بسجود آدم کرد، همه این دستور را پذیرفتند جز هاد پیشه (ابلیس) که از این دستور سرپیچی کرد و گفت من از آتش هستم و آدم از خاک چطور اورا سجده کنم؟ هاد پیشه از مقام خود معزول و مطرود گردید.

جهان وجود از نظر صابیان -- صابیان بدودنیا (دنیای آشکار

و دنیای پنهان) عقیده دارند و دنیای پنهان را (مشونی کشته) و دنیای آشکار را (اره نیل) میخوانند و امتیازات بسیاری در باره جهان مخفی قائل هستند و آن دنیا را از دنیای ظاهر و آشکار بزرگتر میدانند و گویند که در عالم پنهان نیز مردمانی مانند ما زندگی میکنند و آن مردمان صابیانی هستند که از هر عیب و نقص بری هستند، در عالم پنهان نیز مرکب و فنا وجود داشته و مردگان بعالم دیگری بنام عالم انوار (آلَمی دُنهوِرا) یا (دارالعهاده) انتقال مییابند. در عالم پنهان نیز آدمی بنام (کاسیا) وجود دارد که دارای زوجه ای بنام (کانات) میباشد که در عالم آشکار و دنیای ما آدم بغیره یا آدم مادی بوجود آمد که زوجه او حوا بود.

طوفان نوح از نظر صابیان - صابئین میگویند نوح در

کشتی خود کلیه حیوانات روی زمین را دوید و از نر و ماده جای داد، و خود بازن و پسرش سام و زوجه سام در کشتی جای گرفت، هنگامی که طوفان فرو نشست، خشکی کوچکی پدید آمد و نوح از کشتی پیاده شد، در این هنگام زنی از جن بمائند زن خود دید که سرمه بچشم کشیده و مویش را مرتب کرده است، نوح از این حال متعجب شد

و تصور کرد زن خود میباشد پس، سبب تغییر وضع او را جوابا شد، زن با هزار عشو و ناز نوح را بمعصیت کشانید، و از آن زن فریبکار سه پسر بوجود آمد که آن سه پسر (حام و یافث و یامین) میباشد، روی همین اصل این طایفه آن سه پسر را فرزندان (غیّه) خوانند و احترامی برای آنان قائل نیستند لیکن سام را احترام و تکریم میکنند.

ستاره جدی - در پیش گفتیم احترام بستارگان که یاد کاری از عقاید دینی گذشته است در مذهب صائبین کنونی عراق و خوزستان بر جای مانده و هنوز این قوم معتقدند که سیارات هفتگانه، پاسبان و نگاه دارنده هفت اقلیم هستند و مامور دفع مضرت و جلب منفعت برای ساکنان زمین میباشد و ستاره موکل بر قطعه آسیا را **ستاره مریخ** میشناسند و آن ستاره را (تبرغ) مینامند. برای ستاره جدی از این نظر احترام قائلند که محل ثابت و معینی در آسمان دارد و معتقدند که چون جهت جدی بسوی ملک انوار است باید کلیه اعمال مذهبی و سنن دینی را با توجه بسوی این ستاره انجام داد.

جهنم و بهشت - صائبان بجهنم و بهشت قائل هستند و معتقدند که میان این دو مکانی بنام (مطرائی) وجود دارد که در این مکان ارواحی که مرتکب معصیت شده اند، برای مدت کمی عذاب می بینند آنگاه آن ارواح بعالم انوار (آلَمی دهورا) را عنمائی میشوند.

معاد از نظر صائبین - صائبین معتقدند، که روح آدم نیکوکار و درست کردار مستقیماً بطبقه هفتم آسمان میرود و در میزان سنجیده میشود و پس از سنجش و صدور اجازه بعالم انوار وارد میشود و گویند اولین روحیکه سنجش شد، روح شیث بن آدم بود و اما روح شخص

بزهکار و خیانت پیشه به نسبت عمل بدی که کرده عذاب می‌بیند و
کیفر باو داده میشود، و عذاب روح هم در جائی دارد که از جمله قرار
گرفتن روح در آتش، زندان شدن در جائی که هوانداشته باشد، زندان
شدن در جائی که محصور بکوهها باشد و غیره.

و نیز گویند دنیا از میان میرود و جزء ظلمات میشود و روح
آدم بدکار بعد از دیدن کیفر مقرر بعالم انوار رفته و محصور بارواح
نیکوکاران میشود.



فصل دوم



شرح زندگالی و مرگ یحیی بن زکریا



صابئین معتقد به تعالیم آدم بوده و کتابی بنام (کنزا) دارند که آن کتاب را (صحف آدم) نیز مینامند ، و معتقدند که بعد از آدم ، مذاهب بی اساسی در کیش آنها رخنه پیدا کرد تا اینکه یحیی بن زکریا مامور شد که دین آنها را خالص گرداند و زوائد و پیرایه آنها را محو و نابود کند ، برای تولد یحیی تقریباً با آنچه در انجیل و قرآن آمده موافق میباشند و میگویند یحیی رسول عام نیست بلکه پیغمبر خاصی است (نبی خاص) که برای فرقه صابئین مبعوث گردیده است .

تولد یحیی بن زکریا - زکریا از کاهنان معروف و از فرقه ابیا

بود و زنی از دختران هارون بنام (یصابات) داشت ، این زن و مرد پیرمیز کاری و نیکوکاری معروف و مشهور بودند ، با اینکه سن زیادی از آن دو میگذشت دارای فرزند نبودند ، و در غصه و رنج بی فرزندی بسر میبردند ، تا اینکه خداوند اراده فرمود زکریا را صاحب فرزندی کند ، پس او را بوجود یحیی مژده داد ، یحیی بدنیا آمد و در سرزمین فلسطین و اردن به تبلیغ پرداخت و مردم را بسوی حق دعوت کرد .

کشته شدن یحیی - در سرزمین فلسطین مردی بنام (هیرودس)
سلطنت میکرد و دختر برادری بنام (هیرودیا) داشت که زیباروی و
خوبچهره بود پادشاه بدختر برادر نرد عشق باخت و در صدد برآمد
که با او ازدواج کند، پس از یحیی نظر خواستند یحیی از نظراینگه
ازدواج عمو با برادر زاده حرام میباشد، با این امر موافقت نکرد،
مادر دختر کینه یحیی را بدل گرفت و بوسیله دخترش پادشاه را بر علیه
یحیی برانگیخت و بنا بر فرمان هرودس یحیی کشته شد.

عماد الدین اسماعیل بن علی بن محمود معروف بابی الفداء
که اوایل قرن هشتم هجری میزیسته در کتاب (المختصر فی اخبار
البشر) میگوید:

کشته شدن یحیی پیش از مبعوث شدن عیسی به پیغمبری صورت
گرفت و حضرت مسیح در آن موقع ۳۰ سال داشت و چون یحیی
عیسی را در نهر اردن تعمید کرد مسیحیان او را یوحنا معمد (تعمید
دهنده) خواندند.

مدفن یحیی - در باره مکان دفن یحیی بن زکریا اختلاف است
مسلمانان محل دفن را مسجد اموی در شام می دانند، مسیحیان معتقدند
که سر یحیی در قله کوه زیتون و یا در نابلس فلسطین قرار دارد،
لیکن از مکان دفن جسد اظهار بی اطلاعی میکنند صابئین معتقدند که
سر و تن یحیی در شهر شوشتر مدفون است.

بخش سوم



تحقیق در باره کتابهای مقدس و طبقات روحانیون

و کیفیت انجام مراسم مذهبی



فصل اول

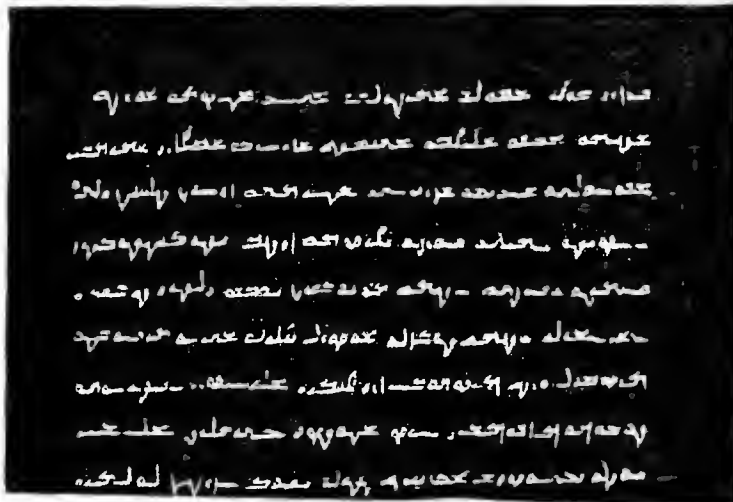
کتابهای مقدس صابئین



صابئان معتقدند که کتابهای مقدس آنان از مصدر ربانی بر آدم نازل شده و بعد از آدم بنوح و بعد از او بسام و بعد از سام به پسرش رام و بعد از او بابراهم خلیل و سپس بموسی و بعد به یحیی بن زکریا که او را یوحنا معمدان مینامند منتقل شده و همچنین عقیده دارند که بسیاری از مطالب کتابها در طی حوادث از میان رفته لکن آنچه باقیمانده صورت اصلی خود را از نظر لفظ و ترکیب و ترتیب حفظ داشته است ، باوجود اینکه اهتمام و سعی زیادی دارند که کسی از رموز دین و کتب آنها اطلاع پیدا نکند ، لیکن بسیاری از خاورشناسان آلمانی و فرانسوی و انگلیسی و ایتالیائی با بذل جهد و مال فراوان بر اسرار مذهب و کتب آنها آگاهی یافتند ، ضمناً یادآور میشویم که کتابهای صابئین

بزبان (مندائی) که مشتق از سریانی میباشد نوشته شده و عقیده دارد که آدم بزبان مندائی سخن میگفته است. مهمترین کتابهاییکه اکنون نزد صابیان وجود دارد بدین قرارند.

۱ - کتاب بزرس یا کنز ربا Quinza Rabba این کتاب را (سدره) یا (صحف آم) نیز میگویند، این کتاب از چگونگی خلقت و پیدایش هستی و وقایعیکه بر انسان روی داده، بحث میکند و از صفات پروردگار سخن میگوید، بعضی بر آنداین کتاب پیش از حضرت عیسی نوشته شده و بعضی گویند که در زمان یحیی بن زکریا بوجود آمده و عده ای از جمله انتاس ماری الکرملی معتقدند که این کتاب قبل از ۷۰۸ میلادی وجود نداشته است. ^۱بهر جهت تاریخ ثبت و ضبط



چند سطر از کتاب کنز

این کتاب معلوم نیست کتاب کنزرا یکدفعه بوسیله خاور شناس سوئدی موسیو نربری M. Norbery بحروف سریانی و باترجمه لاتین

در ۱۸۱۵ میلادی در ۴ مجلد چاپ شده و دفعه دیگر بوسیله خاور شناس آلمانی Petermenn بحروف مندائی در لایپزیک در سنه ۱۸۶۷ میلادی چاپ شده و در موزه عراق موجود است .

۲- کتاب ادرافشادهیی - یا کتاب (سدر ادیهی) از کتاباولی جدید تر میباشد و در باره زندگی حضرت یحیی و دستورها و تعلیمات اوبحث میکند، صابئین معتقدند که این کتاب بوسیله جبرائیل بر یحیی الهام شده است .

این کتاب بوسیله لیدز یارسکی خاور شناس آلمانی در سال ۱۹۱۵ میلادی بآلمانی ترجمه شده است .

۳- کتاب قلستا این کتاب درباره رسوم ازدواج و مراسم عقد و زناشوئی بحث میکند .

۴- کتاب سدرادشمانا یا کتاب (نفوس) این کتاب در باره سنن و رسوم مرگ و تلقین اموات و چگونگی دفن و جدا شدن روان از تن بحث میکند و معتقدند که این کتاب بر آدم نازل شده است خاور شناس آلمانی (لیدزیا رسکی) نیز در سنه ۱۹۳۰ میلادی مطالب کتاب را بآلمانی ترجمه کرده است .

۵- کتاب دیونان یا کتاب (دیوان) که از کتب مهمه صابئین میباشد و مطالعه کنندة را به بسیاری از معتقدات دینی این قوم آگاهی میدهد ، این کتاب بی اندازه نادر و نایاب میباشد .

۶- کتاب اسفر ملواشی - یا (اسفار مالاشیا) یا کتاب (بروج) بوسیله این کتاب علماء صابئین پیش بینی حوادث میکنند ، طالع مولود را از نظر سعد و نحس تعیین مینمایند . ضمناً در این کتاب اورا دو

ذکرهایی وجود دارد که معتقدند بوسیله آن ، امراض را میتوان از انسان دفع کرد . این کتاب با چاپ عکسی از نسخه اصل خطی و با ترجمه انگلیسی بوسیله (درورر Drower) انگلیسی درلندن چاپ شده است ضمناً در این کتاب اسامی عده زیادی از شهرها و نقاط قدیمی ایران بملفوظ معمولی صابیان ذکر شده است .

۷ - کتاب انیانی یا کتاب (اناشید) این کتاب از مراسم دفن موات ، و خواندن نماز و بجا آوردن اوراد و ذکرهای که به هنگام نماز لازم است بحث میکند نسخهای از این کتاب در موزه عراق موجود میباشد

۸ - کتاب دهیقل زیوا یا (هیقل زیوا) که مشتمل بر ۱۲۰۰ سطر میباشد ، در این کتاب دعا های مخصوصی ذکر شده و صابئین معتقدند ، هر کس ذکرهای این کتاب را با خود داشته باشد ، اسلحه سرد و گرم بر او مؤثر نمیشود ، روی همین اصل در حفظ این کتاب میکوشند و گویند اگر کتاب مزبور نجس شود یا تغییری در آن حاصل شود خاصیت خود را از دست میدهد .

۹ - تفسیر پفره - در این کتاب از تحولات جسم انسان و تشریح و ترکیب آن بحث میشود .

۱۰ - کتاب دساتیر دیگر از کتب مربوط بصابئین کتاب دساتیر است این کتاب راعده ای از محققین اساساً ساختگی میدانند لیکن عده ای از دانشمندان مانند سیلوستر دوساسی Silvestre de sacy خاور شناس فرانسوی و سون هارتمان Sven Hartman سوئدی کتاب دساتیر را از آثار سابقه صابیان ایران و از جمله Sources Sabéennes میپندارند .

در کتاب دساتیر چنین دستور داده شده است (اسب و گاو و اشتر و خرو مانند آن مکشید و بیجان مکنید که سزای کردار و پاداش کاراینها دگر گونه است از هوشیار خردمند چنانکه اسب را سواری کند و گاو و اشتر و استر و خرو را بار، چهاینها مردم را بزور بار کردند...)



تعمیر قایق بوسیله یکنفر صابی

فصل دوم

طبقات علماء و روحانیون صابی

انتخاب علماء و روحانیون صابی بطریقی که خواهیم گفت با شرایط دشوار و سختی انجام میپذیرد، ضمناً باید متذکر شویم که طبقات علماء نفوذ زیادی در میان صابئین دارند و هیچ عملی از اعمال دینی و همچنین ازدواج و کفن و دفن و نام گذاری نوزاد و مراسم ولادت و کشتار حیوانات و غیره انجام نمیشود، مگر اینکه روحانیون مزبور حضور داشته و مستقلاً وظیفه‌ای را که بر عهده دارند انجام دهند.

شخص روحانی در کیش صابئین باید تندرست باشد و آبله رو و مبتلا به (برص) نباشد و از خانواده‌ای باشد که هفت پشت آن خانواده با مراض مزبور دچار نشده باشند، و همچنین نباید خود و اجداد روحانی تا ۷ پشت زن بیوه گرفته باشند.

علماء روحانی در کیش صابئین نظر بوظائفی که بر عهده دارند و نیز احاطه‌ای که بر کتابهای مقدس مذهبی باید داشته باشند به پنج طبقه تقسیم میشوند.

۱- حلالی - عاقله صابیان او را شماس میگویند، در این طبقه

شخص روحانی باید علوم مقدماتی دینی را بداند و مراسم تعمید را بجای

آورده باشد، کار شستشو و کفن و دفن مردگان و مراسم قربانی برعهده این طبقه قرار دارد، حلالی باید برای انجام اموری که برعهده او است لباس مخصوصی که از هفت قطعه سفید تشکیل شده و (رسته و سفیقه) نامیده میشود بپوشد. و برای قربانی باید مقداری نیونی سبز (حلفاً) در محل ذبح که کنار رودخانه میباشد آماده کند آنگاه پیش از ذبح نیها را کاملاً بشوید و روی زمین بگستراند، سپس حیوان قربانی را باید سه مرتبه در آب شستشوی کامل دهد، و بعد با چاقو و یا کارد رو بشمال (ستاره جدی) قرار گیرد و در حالی که مشغول خواندن ذکر است حیوان را سر بریده و روی نیها قرار دهد، البته ذبح مرغ با گوسفند فرق دارد، و اختلاف در اینست که مرغ را پس از شستن باید در دست گرفته ذبح کند و نگذارد که روی زمین قرار گیرد، چه اگر پیکر مرغ با زمین تماس پیدا کند، نجس شده و خوردن گوشت آن حرام میشود. حیوان قربانی باید کور و شل و گوش بریده و شاخ شکسته نباشد و هنگام ذبح حضور شاهدالرامی است، بدینمعنی که شاهد (اشکنده) با پوشیدن لباس دینی (رسته) دست راستش را بر کتف حلالی میگذارد و ناظر عمل ذبح میشود. کشتن حیوان، قبل از طلوع و بعد از غروب آفتاب حرام است، منتهی در عید یمنجه که مراسم آنرا ذکر خواهیم کرد این موضوع رعایت نمیشود.

بدیهی است چنانچه حلالی رعایت شرائط قربانی را نکند، از درجه حلالی معزول میشود، و بر او تعمیم بعنوان کفار و واجب نمیشود. در کیش صابیان کشتن گوسفند (قوچ) فقط در ایام عید یمنجه جایز میباشد و در روزهای دیگر خوردن گوشت حیوان مخصوصاً حیوانات دارای دم

(گاو - گاو میش - شتر - بز) حرام میباشد .

۴- ترمیده چنانچه حلالی بر کتابهای مقدس (سدراد نشماتا) و کتاب (ایمانی) آشنائی پیدا کند ، و قسمت اعظم مطالب کتابهای مزبور را بداند با انجام مراسم خاصی بدرجه ترمیده ارتقاء پیدا میکند . حلالی باید در آب جاری متصل به چاهیکه روبروی (مندی) قرار دارد تعمید شود ، برای انجام مراسم تعمید و ارتقاء حلالی بدرجه ترمیده خانه ای از نی نظیف ساخته میشود ، که بآن (مجلس) گویند . در این خانه عده ای از روحانیون درجه بالاتر (کنزبرا) حاضر میشوند ، شخص داو طلب باید هفت شبانه روز نخوابد ، چه اگر خواب بر او غلبه کند ، معتقدند که شیطان در جسمش حلول کرده ، احتلام باو دست میدهد ، و اعمالش فاسد میشود ، و کسیکه در اینموقع دچار احتلام شود شایستگی و صلاحیت خود را برای ارتقاء بدرجه ترمیده از دست میدهد . روی همین اصل حلالی باید هفت شبانه روز پی در پی کتاب دینی و اوراد واذکار بخواند . در مدت مزبور مرتباً طببل میکوبند ، و شبپور میزنند . و نیز برای جلو گیری از خواب داو طلب از خارپشت استفاده میکنند . بدینمعنی هرگاه که خواب بر حلالی عارض میشود ، خارپشت را بصورتش پرتاب میکنند ، بدینجهت داو طلب از شدت درد و تماس خارهای حیوان با صورتش خواب از چشمش می رود و بیدار میماند . اگر مدت مزبور سپری شد ، داو طلب بدرجه (ترمیده) میرسد و خانه حصیری که بلفظ مندائی (شخنتا) نامیده میشود ویران می گردد ، بر ترمیده جایز است چنانچه بحسن شهرت و سیرت معروف باشد مأمور ازدواج زنان بیوه برای افراد صابی شود و در صورتی که این وظیفه بر عهده او گذاشته شود ، ارتقاء

بدرجه (کنزبرا) برای اوحرام می شود و در اینحال ترمیده مجاز نیست اعمال مذهبی دیگری برای افراد صابی انجام دهد و منحصر وظیفه او انجام عقد زنهای بیوه می باشد، بروحانی از درجه ترمیده که مامور ازدواج زنان بیوه است (ایسق) بتصفیر گویند.

۳- کنزبرا Quinz bra چنانچه روحانی ترمیده بخواهد بدرجه (کنزبرا) ارتقا پیدا کند باید کاملاً از مقررات و تفاسیر دینی مطلع باشد، و کتاب بزرگ کنزرا را از حفظ داشته باشد، و لازم است که متأهل و غیر عقیم باشد زمانی که بدرجه کنزبرا رسید باید از موافقه بازوجه خود موقتاً صرف نظر کند، تا اینکه زنی برای یکنفر از روحانیون ترمیده عقد کند، آنگاه میتواند بازنش آمیزش پیدا کند، و باید ازدواجی که برای عالم درجه پائین انجام می دهد، از زن بیوه نباشد، چه انجام مراسم زناشوئی زنهای بیوه مخصوص (ایسق) می باشد رسومی که ترمیده باید انجام دهد تا بدرجه کنزبرا برسد آنست که خانه از بی پاکیزه و برك خرما با گل برپا می کنند «شختنا» و شرط آنست که خانه از ديك چاه متصل بآب جاری نزدیک «مندی» * باشد پس باحضور دو نفر از روحانیون از درجه کنزبرا و دو نفر از درجه ترمیده مراسم تعمید را بجای می آورد و پس از انجام مراسم، بدرجه «کنزبرا» یا مفسر کتاب کنزرا میرسد، توضیح آنکه مراسم این تعمید حتماً در روز

* مندی معبدی است که در آن کتابهای مقدس صابیان نگهداری و مراسم تعمید روحانیون انجام میشود. از بی و بوربای تمیز خانه ای تهیه میکنند که دارای دو پنجره و یک درمیباشد و در وردی مندی رو بقبله باید باشد تا توجه شخص وارد رو بجدی باشد، در محوطه محصور مندی چاهی حفر میشود که برو دخانه اتصال دارد و در این چاه مراسم تعمید علماً انجام مییابد و در سراسر عراق شش باب مندی بیشتر وجود دارد.

های عید پنجه باید انجام شود . میان صابئین امروزی عده انگشت شماری می باشند که بدرجه کنز برا رسیده اند ، بطوریکه اکنون در خاک عراق بیش از سه نفر باین مرتبه رسیده اند و آن سه نفر بدینقرارند .
 ۱ - کنزبرا شیخ عبدالله بن شیخ سام مقیم بغداد ۲ کنزبرا شیخ دخیل بن شیخ عبدان مقیم ناصریه عراق ۳ کنزبرا شیخ نجم بن شیخ زهرون مقیم بصره .

۴ - ارشمه ارشمه کلمه ای مندائی است که بمعنی رئیس و پیشوای امت میباشد و میان صابئین کنوئی هنوز کسی باین درجه نرسیده است ، چنانچه کنزبرا خواهد بدرجه ارشمه ارتقاء پیدا کند باید اهلیت و شایستگی کامل داشته و آزموده در کلیه علوم دینی مربوط بصابئین باشد ، مراسمی که ترمیده برای ارتقاء بدرجه بالاتر انجام میدهد کنزبرا هم باید انجام دهد منتهی اختلاف در تعداد حاضرین در مراسم است . برای ارتقاء بدرجه ارشمه عده ای از درجه کنزبرا و درجه ترمیده و ۷ نفر از شاگردان روحانی داوطلب باید حضور داشته باشند ، ضمناً روحانی مزبور بخواندن اوراد و اذکار مخصوص می پردازد ، تا باین درجه ارتقاء پیدا کند و اگر عده لازم از کنزبرا و ترمیده حضور نداشته باشند داوطلب بمقام ارشمه نخواهد رسید .

۵ - ربانی - شروطیکه کنزبرا برای رسیدن بدرجه ارشمه باید رعایت کند همان شروط را باید ارشمه رعایت کند و انجام دهد ، منتهی عده گواهان هنگام تعمید باعده ای که قبلاً ذکر شد فرق دارد بدین معنی که هفت نفر از طبقات ارشمه - کنزبرا - ترمیده باید حضور پیدا کنند و دعا های مخصوصی بخوانند .

صابیان معتقدند که هیچکس از قدیمترین ایام تا کنون باین درجه نرسیده مگر یحیی بن زکریا که اورا نبی خاص و بلفظ مندائی (یهیه بهانه) میخوانند.

غذای روحانیون صابی - روحانی صابی مجاز نیست غذائی غیر از غذای خانه خود بخورد، مگر اینکه صاحب غذا از دست او تعمیم یافته باشد. و نیز غذائیکه با دست زن تعمیم نشده، یازنیکه در حال عادت یا نفاس باشد آماده شود حرام است، پس اگر زن روحانی واجد شرائط برای تهیه غذا و آشپزی نباشد، شخص روحانی باید غذای خود را شخصاً فراهم کند، و در هنگام عادت زن، باید از او موقتاً جدا شود، تا ایام عادت سپری گردد، آنگاه پس از اجرای تعمیم مجدداً با او زندگی کند. و نیز بزرگان کیش صابی موقع غذا خوردن حوله و لفافه مخصوصی دارند که سینه آنها را میپوشاند و معتقدند اگر لباس آنها با ذره‌ای غذا آلوده شود باید تعمیم کنند، و همچنین برای بزرگان مذهب، ذبح مخصوص باید انجام شود، و خودشان عمل کشتار را نیز انجام دهند، کار کشتار بارث بهر طبقه منتقل میشود، و هر طبقه از روحانی صابی مجبور است برای طبقه مخصوص بخود کشتار کند، چنانکه ترمیده برای ترمیده و کنزبرای کنز کشتار میکنند.

پس از عمل ذبح مراقبت شدیدی میکنند، که کوچکترین قطره آب یا قطعه برک یا چوب روی گوشت افکنده نشود، و بوسیله غیر صابی بگوشت دست زده نشود چه در غیر اینصورت گوشت حرام می‌شود و خوردن آن مطلقاً جایز نیست.

نویسنده کتاب الصابون فی حاضرهم و ماضیهم - نقل میکند:

در استان عماره عراقی کتزی را شیخ جودت مریض شد و کمتر سید حسن حسنی عیادت او رفت، و برای او شربتی تجویز کرد، لکن شیخ از خوردن شربت خود داری کرد و مرگ را بر خوردن دوا از آن نظر که حرام می باشد، ترجیح داد تا سرانجام بمرد.

موارد عزل و کیفر روحانیون صابی - چنانچه روحانی صابی

از درجه کتزی را دچار و سوسه شیطان شود و زنا انجام دهد، سپس از عمل خود نادم شود و توبه کند بدرجه (ترمیده) پائین می آید و برای او ۳۶۰ مرتبه تعمید با حضور هفت نفر از علماء واجب می شود؛ پس از انجام تعمید اسماً بمرتبه کتزی را عودت می کنند، لیکن باید اعمال مذهبی و وظائف مخصوص علماء ترمیده را بجای آورد چنانچه ترمیده خطائی نظیر خطای کتزی را مرتکب شود و توبه کند بدرجه حلالی ساقط می شود، لیکن پس از ۳۶۰ مرتبه تعمید اسماً ترمیده بوده ولی از نظر اعمال دینی حکم حلالی پیدا می کنند، اگر حلالی مرتکب همان جرم شد، و نادم گردید و توبه کرد بر او نیز واجب است ۳۶۰ مرتبه با حضور ۷ نفر از علماء تعمید کند رد رایش حال از جر که روحانیون خارج می شود.

چنانچه زنان علماء (کتزی را یا ترمیده یا حلالی) مرتکب ناشوند، و بجرم خود اعتراف کنند، یا دلائل کافی بر علیه آنها موجود باشد واجب است که ۳۶۰ مرتبه تعمید کنند، ولی اگر از تعمید خود داری کردند، و یا با وجود دلائل کافی منکر جرم خود شدند، تمام حقوق مادی و معنوی آنان از بین می رود، و از خانه شوهر طرد می شوند.

اگر یک نفر روحانی بواجبات دینی خود بطور عمد عمل نکرد

هفت مرتبه تعمید در هفت روز، با حضور هفت نفر از علماء هم طبقه او بر او واجب میشود، اگر یکنفر روحانی بخطا و سهو واجبات دینی خود را انجام نداد، سه مرتبه تعمید در ۳ روز با حضور سه نفر از علماء همپایه بر او لازم میشود.

اگر یکنفر روحانی صابی گوشت حرام بخورد بر او یکمرتبه تعمید با حضور یکنفر واجب میشود و یکدرجه از مرتبه روحانیت تنزل مییابد.

خوانندگان گرامی نباید تصور کنند که مراسم تعمید کار آسان و ساده ای میباشد بلکه انجام تعمید کار طاقت فرسا و پر مشقتی است که باید بدون توجه بسردی و گرمی هوا در زمستان و بهار، تابستان و یائیز، با تشریفات خاص مذهبی انجام پذیرد، تعمید کننده مکلف است سه ساعت در آب بماند و کمال خضوع و خشوع را با خواندن اوراد و دعا های مخصوص بجا آورد که اعمال او مورد تصدیق شهود واقع شود.



فصل سوم

روزه و نماز صابیان

روزه - روزه از جمله اعمالی است که در قدیمترین ادیان بشری وجود داشته است؛ یکمنظر بتاریخ قدیم مصر - بابل - آشور ثابت میکند که روزه و امساک از خوردن غذا از فرائض اولیه مذهبی آنها بشمار میرفته و مورد عمل قرار میگرفته است، می توان گفت شاید صابئین مندائی تنها قومی باشند، که بروزه اعتقاد نداشته باشند و چون در عراق و خوزستان با مسلمانان در تماس هستند، برای حفظ ظاهر در ایام رمضان خود را روزه دار معرفی میکنند.

ابن ندیم مؤلف الفهرست و ابن عبری مؤلف (مختصر الدول)

متذکر شده اند که صابئین حران ۳۰ روز روزه در سه وقت از ایام سال بجای میآورند ضمناً باید اضافه کنیم که صابئین کنونی عراق و خوزستان ۳۶ روز در هر سال از خوردن گوشت ممنوع میباشند.

نماز - فلسفه نماز فروتنی و انقیاد محض در برابر پروردگار

بزرگ و خداوند یکتا میباشد نماز گذار باید گذشته از خواندن سوره و ادعیه مقرر بوسیله حرکات سر و دست و بدن اعتقاد قلبی و باطنی خود را آشکار کند نماز از اعمال مذهبی بسیار قدیم است که پیش از روزه

وجود داشته است . اوقاتیکه برای اداء نماز در میان صابیان برقرار شده اوقاتی است که برای بشر درازمنه قدیمه هنگام پرستش مظاهر طبیعت مقرر بوده است نماز دارای مقررات و مقدماتی است که مهمترین آنها طهارت و غسل میباشد .

طهارت - بدون پاکیزگی و طهارت انجام نماز صحیح نمیباشد رعایت طهارت بر زن و مرد صابی فرض و واجب است غسل جنابت نیز در کیش صابی واجب میباشد ، عمل غسل باید در آب جاری یا آبیکه از چشمه حاصل میشود انجام گیرد پس آب حمام بنظر صابیان دارای این شرط نمیباشد و غسل نباید در حمام انجام شود (نظر باینکه عده ای از صابیان برای تأمین معاش مجبور باقامت در شهرها شده اند بآنان اجازه داده شده که از آب لوله برای غسل استفاده کنند) غسل جنابت باید پیش از آشامیدن و خوردن و استعمال دود بعمل آید و بدین نحو انجام میگردد که مجنب بدون اینکه صحبتی کند سه مرتبه در آب میرود ، انجام غسل به تنهایی برای اقامه نماز کافی نیست و باید بعد از غسل وضوء گرفته شود .

وضوء - انجام دهنده وضوء باید کمر خود را ببندد و در کنار نهر روپستاره جدی قرار گیرد و نیت کند ابتداء باید دو دست را بشوید و دعائی بخواند ، آنگاه سه مرتبه صورت را با آب جاری میشوید ، سپس دستش را تر میکند و با انگشتان دست از شقیقه راست بسوی شقیقه چپ میکشد و ذکر میخواند ، آنگاه انگشتهای سیّاه را سه مرتبه در دو گوش میکند و سه بار آب در بینی و یک مرتبه در دهان مینماید ، بعد انگشتان دو دست را تر کرده و بر سر زانو و ساق پا میزند سپس ۲ مرتبه

ساق را با انگشت میزنند و پس از اتمام کار وضوء انگشتان سبابه را با آب میزنند مثل اینکه میخواهد کثافات را از روی آب دور کند . انجام دهنده وضوء پاها را میشوید و باین کار اعمال وضوء انجام میدهد . البته وضوء گذار ضمن انجام آداب و مراسم وضوء باید دعای مخصوص وضوء را نیز بخواند

مبطلات وضوء - مبطلات وضوء عبارتند از بول - غایط - ریح - حیض - نفاس - خوردن اما آمدن خون از بینی یا دهان یا موضع دیگری از جسم باطل کننده وضوء نیست و باید مکان خون را با آب شست ، توضیح اینکه برای هر نماز يك وضوء لازم است و نمیتوان با يك وضوء چند نماز بجای آورد .

اعمال نماز - صابئین روزی سه مرتبه (صبح - ظهر - عصر) نماز میخوانند نماز باید روی زمین و بدون سجود باشد . و مستحب است که روزهای فرد هفته و اعیاد ، نماز جماعت بخوانند ، پیش از نماز باید اذان با صدای آهسته و با لفظ مندائی گفته شود و جایز نیست هنگام اذان بجای بلند روند . نماز گذار باید پا برهنه و با لباس پاکیزه باشد و توجّهش بسمت جدی باشد ، دو کف دست را بالا بگیرد و سر را اندکی بالا قرار دهد ، و هفت مرتبه ذکر بخواند ، و از خداوند استعانت و شفا و رفع گرفتاری بخواند . صابیان عقیده دارند که نماز در زمان آدم ۷ نوبت انجام میشد سپس به ۵ نوبت تبدیل شد تا اینکه در زمان حضرت یحیی به سه نوبت تقلیل یافت ، کما اینکه اکنون هم سه وقت نماز میگذارند .

فصل چهارم

تعمید و اقشام آن

تعمید از آداب و رسوم خاص دینی صابئین میباشد ، و بوسیده آن گناهان از بین میرود ، طعام حلال میشود ، طفل طاهر میگردد ، و خلاصه با انجام تعمید صفات و خصوصیات جدیدی تعمید کنندۀ دارا می شود ، و چون آب نقش مؤثری نزد کلیه ملل خاصه صابیان دارد روی همین اصل کلیه رسوم و آداب دینی آنان باید با آب انجام پذیرد . تعمید بر سه قسم است از اینقرار :

۱ - رشامه - رشامه همان وضو بامداد میباشد ، که برای اداء نماز انجام میشود و باید وضوء گذار بتنهائی عمل کند .

۲ - طماشه - غسلی است که افراد صابی هنگام حیض - نفاس - جنب شدن - رهائی از زندان - برگشتن از سفر - دست زدن با افراد ناپاک ، یا هنگام گزیدن و گاز گرفتن حشرات و حیوانات باید سه مرتبه متوالیاً انجام دهند و مستحب است که غسل در روزهای اعیاد و روزهای فرد هفته نیز بعمل آید .

۳. مصوتنا Muswatta یا (تعمید معروف) و آن تعمیدی است که با رسوم و آداب خاص بوسيله روحانیون صابی در روزهای فرد هفته ، اعیاد و مخصوصاً روزهای عید پنجه ، انجام میشود و این تعمید خود چهار قسم است .

۱- تعمید نوزاد - بر پدر و مادر و خویشاوندان نوزاد واجب

است که بهنگام ولادت، برای رسیدگی بسعد و نحس بودن طالع، و نامگذاری نوزاد و اینکه معلوم شود، قمر در چه برجی میباشد، بروحانی مخصوص مراجعه کنند، برای نوزاد اسمی مندائی که باسم مادر نزدیک میباشد، انتخاب میکنند، این اسم محفوظ بوده، و هنگام تعمید و ازدواج، و مرگ بکار برده میشود، البته برای طفل نام دیگری که مأخوذ از نامهای معمولی و متعارف در محل سکونت میباشد، انتخاب میکنند، چنانکه یکنفر صابی ممکن است عبدالرزاق، یا جبار، یا مسلم، باشد در حالیکه اسم اصلی او نام دیگری میباشد؛ هنگامی که سن طفل به ۴۵ روز رسید تعمید او واجب میشود و باید با انجام غسل از کثافت بری شود. پس ولی طفل بروحانی (کنزبرا یا ترمیده) مراجعه میکنند و او طفل را با دو روحانی دیگر از درجه ترمیده و حلالی بسوی رودخانه میبرد، هر سه نفر روحانی لباس مخصوص تعمید را که عبارت از رسته میباشد میپوشند، و تعمید دهنده بالای سر طفل نماز میخواند، سپس انگشتی از آس مبرز * در انگشت کوچک دست راست طفل میکشد (انگشت را اکیله گویند) و در حالیکه در دست او عصائی از عود آس است (عصارا مر کنه Marquana گویند) تا زانو داخل آب میشود، حلالی طفل را بغل گرفته در عقب کنزبرا میرود و در حالیکه تا زانو در آب و رو بسوی جدی میباشد شروع بخواندن ادعیه و اوراد مینمایند، سپس تعمید دهنده دو کف دست را بر از آب کرده بحلالی حامل طفل میباشد (فاصله میان حلالی و

کنز را تعمید دهنده نباید بیش از سه وجب باشد (تعمید دهنده در حالیکه حالیه حلالی پشت سر او قرار دارد از آب خارج میشود، در اینموقع انگشتر سبز را از انگشت طفل بیرون آورده و روی پیشانی او قرار میدهد و ضمن دادن بخور بطفل و خواندن ادعیه، با کنجد مقدس که بآب رود خانه فر شده باشد سه مرتبه پیشانی طفل را لمس میکنند بعد بسمت قلب طفل خم میشود، و آهسته بتعداد بند انگشتان اسامی سری میخواند - تعمید دهنده موی سر خود را روی چشمان طفل چندین بار میکشد و بعد ۶۰ مرتبه موی خود را میبوسد. در این هنگام ترمیده انگشتر را از پیشانی طفل برمیدارد و بر لبهای او قرار میدهد و برای مرتبه دوم روی پیشانی بچه میگذارد آنگاه در آب میافکند، بدین ترتیب مراسم تعمید طفل پایان میرسد.

۴- تعمید ناشوئی - این تعمید هنگام زناشوئی صورت میگیرد و در جای خود هنگامیکه از مراسم ازدواج بحث میشود بتفصیل بیان خواهد شد.

۳- تعمید افراد صابی - بر کلیه افراد صابی واجب است که در عید پنجه و انتقال سال بر طبق دستور و قواعد یوحنا تعمید دهنده رفتار کنند، مدت عید پنجه پنجر و زاست که در دهه اول ماه نisan واقع میشود، در این عید علماء روحانی لباس سفید میپوشند و پا برهنه راه میروند و سه دفعه هر روز عید، قبل از خوردن غذا غسل میکنند. انجام این مراسم برای هر فرد صابی خواه زن و مرد، کوچک و بزرگ لازم است و مقصود از آن برطرف کردن گناهان میباشد. مراسم تعمید بوسیله کنز یا روحانی دیگری از طبقه ترمیده بعمل میآید. ابزار تعمید

عبارت است از لباس رسته، بخور، مرکبه، اکلیله، دومنقل گل سرخ، دو کاسه از جنس برنج و شیشه بلور - بمحض رسیدن برودخانه روحانیون لباس مخصوص میپوشند و بزبان مندائی نیت میکنند طالب تعمید انگشتر آس را بوسیله کتیرا در انگشت کوچک دست راست میکنند، روحانی داخل آب میشود بطوریکه تا زانو در آب باشد و اوراد و دعاها را مخصوصاً میخواند، سپس طالب تعمید را میخواند که از او پیروی کند، و بعد با اشاره روحانی تعمید کننده سه مرتبه متوالی بزیر آب میرود و بعد روحانی مقداری آب بر میدارد و روی طالب تعمید میپاشد، در این هنگام روحانی اسم مادر داوطلب تعمید را میبرد و مراسم پایان مییابد.

پس از خروج از رودخانه، داوطلب تعمید بخور داده میشود، و روغن کنبج مقدس باو مالیده میشود، و قطعه‌ای از نان فطیر تبرک (پشه) میخورند و از آب مقدس (محبولا) میآشامد، تعمید شده باید بازدازه قدرت مالی وجهی بروحانی بدهد، مقررات کیش صابی اجازه میدهد که تمام افراد صابی در ایام روزهای عید پنجه، چه شب و چه روز تعمید شوند، ضمناً باید دانست در مواقع دیگر مراسم تعمید فقط در روزانجام میشود.

۴ - تعمید اعیاد - مقررات کیش صابین حکم میکند که هر

فردی از افراد در اعیاد چهار گانه (در جای خود از اعیاد صابین بحث خواهد شد) تعمید شود بر روحانیون صابی نیز واجب است که در هر يك از اعیاد مراسم تعمید را بجای آورند، در تعمید اعیاد خواه برای افراد و خواه برای مؤمنین، رایت مخصوص یا پرچم یحیی که بلفظ مندائی

(ادر بشا دیهی) میگویند باید نصب شود در صورتیکه در مواقع دیگر تعمید ، نصب پرچم واجب نیست .

تعمید روحانیون صابی - بر روحانی صابی مانند سایر افراد

تعمید واجب است ، در این موقع با نصب پرچم ، تعمید انجام میشود ، پرچم یحیی عبارت از دو چوب پاکیزه ای است که بصورت صلیب بر یکدیگر بسته شده و روی این علامت پارچه ای از ابریشم سفید پوشیده شده است . البته پس از انجام تعمید ، رایت یحیی پیچیده میشود و در خانه یکی از علماء (کنز برا) محفوظ نگه داشته میشود ، دیگر از موقعیکه علم بکار برده میشود موقعی است که یکی از روحانیون بمیرد .

پهشه - Pahtha همراه با مراسم تعمید خوردن پهشه (نان فطیر مقدس) و آشامیدن ممبول (آب مقدس) بر کلیه تعمید شدگان واجب است ، پهشه نان فطیری (بدون مایه) است که روحانیون صابی بهر کس که تعمید شود میدهند ، (خواه تعمید شده زن باشد یا مرد) پرهیز کار باشد ، یا خطاکار) و معتقدند که با خوردن نان فرد صابی از بلیات و رنجها محفوظ خواهد ماند ، برای نهیّه پهشه یکی از افراد مقداری آرد میآورد و در ارتفاع ثابتی بکف روحانی (نرمیده) میریزد او آرد را با خود بنزدیک رودخانه برده و با آب رودخانه خمیر میکند ، و بعد بدون اینکه مایه ای باو اضافه کند خمیر را بصورت قرصهای گرد کوچکی در میآورد و بر آتش دان قرار میدهد و بهر کس که تعمید کند ، قرصی از نان و مقدار کمی آب که در شیشه نگاهداری میشود میدهند و باید کلیه قرصهای نان در همان روز تعمید مصرف شود و برای روز دیگر چیزی باقی نماند .
بعقیده صابی آنرا که مقداری از نان یا آب باقی بماند خاصیت خود را از دست میدهد .

فصل پنجم

اعیاد مذهبی

صابیان دارای چهار عید مذهبی بدین شرح میباشند .

۱- عید کبیر - عید کبیر را عامه صابئین (کر صه یا اعتکاف)

میگویند در این عید هر فرد صابی موظف است سی و شش ساعت متوالی از منزل خارج نشود و بخواندن اوراد و اذکار بپردازد ، پیش از عید نیز مراسم شستشو باید انجام شود ؛ بدینمعنی که هر فرد صابی وظیفه دارد سه مرتبه در آب خود را بشوید تا بنا بعقیده آنان از کثافات ظاهری و باطنی پاک شود . و چون معتقدند که در هنگام عید کبیر ملك آب با آسمان عروج میکند پیش از شروع عید مقدار آب مصرفی خود را در مشکها و ظرفهاییکه قبلاً تهیه دیده اند ذخیره مینمایند . در تمام مدت اعتکاف هیچ فردی حق خواب ندارد و باید بیدار بماند و صحبت نکند و بر آنند اگر کسی را خواب ربود شیطان در جسم او حلول میکند و او را بتباهی میکشاند ، و همچنین در مدت گوشه گیری ، گاوها و گوسفندها و مرغهای خود را بهمسایگان مسلمان خود می سپارند تا آنها را علف ودانه دهند . و معتقدند که در هنگام عید کبیر انجام اعمال دنیوی و مادی حرام میباشد . اگر حیوانات اهلی آنان بدون اجبار به منزل بر گردند گوشتشان حرام میشود و نیز اگر فردی از خانواده

حیوان مزبور را دست بزرد باید سه روز دیگر عزت اختیار کنند و دل از اغیار بر کنند اگر در خلال روزهای عید مرك یکی از افراد صابی را در ربود، باید از آب ذخیره شده او را بشویند و کفن کنند لیکن دفن از موکول بسپری شدن عید میشود - صابیان مردن در روزهای عید را بسیار نحس و نامبارک میدانند و چنانچه در مدت عید یکی را حشره ای بگززد آن شخص از خوردن و نوشیدن و تماس با اهل خانه در مدت عید منع میشود و پس از انقضاء عید هفتاد مرتبه باید در آب خود را بشوید و بر این عقیده اند که این تن شوئی مفید بوده و دافع گزند حشره میباشد .

صابیان پس از اتمام مدت انزوا و اعتکاف خود را شسته و بامدادان که هنوز آفتاب بر نیامده برای تهنیت بمنزل یکدیگر میروند .

اولین جائیکه برای تبریک میروند خانه رئیس روحانی یا (کنزبرا) میباشد و از او حوادث و وقایع سال را جویا میشوند و معتقدند که وی با مراجعه بکتاب اسفار بروج (اسفار ملو اشیا) وقایع را پیش بینی میکند و همچنین پیش از عید ظرفهائی بتعداد افراد خانواده از سنگ میسازند و این ظرفهارا از میوه های مختلف پر میکنند و پس از مصرف شدن میوه ها ظرفهارا در آب میافکنند .

۳ عید پنجه - این عید را عید تفسیل و کشتار نیز میگویند مدت این عید همانطوریکه از کلمه پنجه فارسی برمیآید پنجره میباشند . عید پنجه ۴ ماه پس از عید صغیر و غالباً در دهه اول ماه نیرسان انجام میشود . صابیان عقیده دارند در این عید درهای آسمان شب و روز باز میباشد بنا بر این خواندن نماز در شب و روز این عید جایز است (در صورتیکه در مواقع دیگر همانطور که گفتیم صبح و ظهر و عصر میباشد) و نیز

میگویند که عید پنجه عید بهجت و سرور است دعای افراد بشر طیکه از روی ایمان باشد مورد قبول واقع میشود ، مراسم عید پنجه بصورت اجتماع یا انفراد انجام میگردد ضمناً بزرگان دین موظفند که برای نیل بدرجه بالاتر در این پنجروز تعمیم بجای آورند . صابئین برآنند که اگر فردی در ایام پنجه بمیرد از عذاب رهایی پیدا میکند و خانواده و بازماندگان او نیز از آنجا مراسم قربانی برای آمرزش او معاف خواهند شد .

روغن کنجد مقدس که روحانیون صابی در مراسم تعمید استعمال میکنند در روزهای پنجه گرفته میشود ، صابئین معتقدند که هر يك از روزهای پنجه بفرشته مقدسی تعلق دارد و بنام آنها روز های پنجه را نامگذاری میکنند . بطوریکه روز های اول تا پنجم را بدین نحو میخوانند .

۱ - انوش اثرا ۲ - شیشلام ربا ۳ - یوخاشارکنه - ۴ -

نابوت زیوا ۵ - بهرام ربا

و گویند این فرشتگان در حالیکه لباس سفید پوشیده اند دور عرش خدا طواف میکنند و تسبیح میگویند . روی همین اصل بزرگان کیش صابی در ایام پنجه لباس سفید میپوشند و بدون کفش راه میروند و هرروز پیش از خوردن غذا آب تنی و غسل میکنند کشتن گوسفند در (قوچ) همانطور که بحث شد فقط در این پنج روز جایز میباشد در صورتیکه در روزهای دیگر خوردن گوشت حیوان مخصوصاً حیوانات دارای دم حرام میباشد .

۴ - عید یحی - عید یحی ۶۰ روز پس از عید پنجه در ۸ یانهم

ماه حزیران واقع میشود و صابیان معتقدند که حضرت آدم باهر فرشته
(ملکاربای) در این روز تعمید کرد. در عید یحیی مراسم تعمید مؤمنین
خصوصاً اطفالی که هنوز تعمید نشده‌اند، برگزار میشود و بدین عقیده‌اند



نمونه کاملی از لباس و وضع ظاهری یکنفر صابی

که هر کس در این عید تعمید شود بشرطی که پوشاک او (رسته‌وار) باشد
اجر ۶۰ تعمید برای او منظور میشود.

بخش چهارم

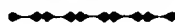


آداب و رسوم اجتماعی و هنرهای دستی صابیان



فصل اول

ازدواج و طلاق



از نظر صابین ازدواج بر هر فردی از افراد لازم و ضروری است و عدم اجرای آن موجب گناه و معصیت می باشد و شخص بدون زن یا زن بدون مرد از خوشیها و نعمتهای عالم بالا محروم میشود . روی همین اصل تأکید میشود که هیچ کس نمیتواند فقر را بهانه کرده و از زیر بارو مسئولیت زناشوئی شانه خالی کند چه بر ممولین واجب است که او را برای ازدواج یاری کنند و با کمک مادی و سائل زناشوئی او را فراهم سازند ، صابیان میتوانند هفت نفر زن بگیرند مشروط بر اینکه بین آنها عملاً مساوات و عدالت برقرار کنند ، هیچ مرد و زن صابی اجازه ندارد که با فرد غیر صابی وصلت کند در غیر این صورت اگر زن صابی مرتکب این عمل شود از دین خارج میشود و بهیچوجه ندامت و توبه او پذیرفته نمیشود و نمیتواند مجدداً بدین خود برگردد

ولی اگر مرد صابی زن بیگانه بگیرد و توبه کند رجعت بدین از او پذیرفته خواهد شد. در کیش صابئین ازدواج با محارم جایز نیست و محارمی که ازدواج با آنها حرام شده است عبارتند از مادر، خواهر دختر برادر، دختر خواهر، و.....

خواستگاری و تعیین کابین (مهر) کسی که می‌خواهد ازدواج کند باید دختری را در نظر بگیرد و موافقت او را جلب کند سپس عده ای از بستگان خود را بمنزل پدر و مادر دختر می‌فرستد و بعد از تحصیل موافقت اولیاء دختر، عالم روحانی (از درجه کنزبرا) را برای ایراد خطبه بخانه دختر می‌فرستد و اگر روحانی از درجه کنزبرا نباشد میتوان بجای او یکی از معتمدین طایفه را انتخاب کرد.

میزان مهر بستگی بوضعیت مادی مرد دارد، و میتوان قسمتی از آنرا نقد یا تمام آنرا بصورت طلب بر ذمه مرد گذاشت در این صورت بر مرد لازم است که سندی بزن بدهد. علماء صابئین معتقدند که تعیین و پرداخت مهر از آداب و رسوم آنان نیست بلکه بواسطه تماس با مسلمانان این رسم از آنها گرفته شده است روی همین اصل بسیاری از متمولین صابی مهر قبول نمیکنند و میزان آن هر قدر که باشد بر مرد می‌بخشند و مخارج ازدواج او را نیز میپردازند.

عقد دوشیزگان - پس از اینکه میزان مهر تعیین گردید عروس

بخانه رئیس روحانی کنزبرا میرود، روحانی مزبور زنی را معین میکند تا او را واریسی کند و ببینند آیا دوشیزه است یا نه؟ پس اگر دوشیزه نبود مرد را مغیر بانجام ازدواج میکنند چنانچه مرد را و طلب ازدواج بود بجای کنزبرا (اییسق) حاضر میشود و خطبه عقد را با اوراد و ادعیه خاصی

انجام میدهد و اگر مرد زن را نخواست زن مجبور است چیزهایی را که مرد داده پس بدهد و موضوع زناشوئی منتفی میشود - اگر نتیجه معاینه مثبت بود و عروس دوشیزه اعلام گردید، هلهله زنهارش - روع میشود، و صدای آنها آسمان را پر میکند، در این مورد کنزبرا مأمور اجرای صیغه عقد میشود و باید انتخاب مرد و زن کاملاً از روی میل و رغبت صورت گرفته باشد و دختر در ایام عادت نباشد پس روحانی بکتاب (ملوایشی) مراجعه میکند و ساعت میمون و مبارکی را برای انجام تعمید و زفاف تعیین میکند.

تعمید ازدواج - این مراسم باید در آب جاری بدون توجه بسردی یا گرمی هوا انجام شود بهمین علت این طایفه در شهرهایی که آب جاری ندارند حتی الامکان سکنی نمیکنند، نخست عروس باید در روزی که تعیین شده بمنزل داماد برود البته این روز باید روز یکشنبه هفته‌ای باشد که آن هفته مصادف با عید پنجه باشد. در این موقع یکی از یاران عروس خروسی گرفته و روی پای راست او ذبح میکند و این عمل را بمنزله فدیة میداند. عروس بعد از استراحت مختصری با مادر خود و سایر بستگان بخانه یا باغی که نزدیک رودخانه باشد میروند در اینموقع سه نفر روحانی که يك نفر از درجه کنزبرا و دو نفر از درجه ترمیده میباشند مأمور انجام مراسم تعمید میشوند بدیهی است چنانچه در منطقه‌ای علماء مزبور نباشند باید زن و شوهر بجائی روند که علماء مزبور مقیم باشند یا اینکه علماء را بجائی که سکونت دارند دعوت کنند. بهر حال سه نفر روحانی لباس دینی (رسته) میپوشند و عصائی (مرکنه) از درخت آس در دست میگیرند و در انگشت کوچک دست

راست خود انگشتی از عود آس سبز (اکلیل) میکنند و کنار آب جاری در حالی که پا برهنه رو بجدی هستند وضوء میگیرند و قریب نیمساعت شروع بخواندن خطبه از دواج (یعنی رهمی) مینمایند .

بعد از آن عروس لباس رسته میپوشد و وقتی که کنز برا مطمئن شد که عروس مطابق قواعد دینی لباس پوشیده در انگشت کوچک او انگشت مخصوص میکند و بالغت مندائی او را تلقین میدهد . یکی از ترمیده ها در حالیکه عصا بدست دارد تا زانو در آب میرود و شروع بخواندن ادعیه و اذکاری از کتاب (فلسفا) میکند و سپس عروس را صدا کرده و او را بدخول در آب دعوت میکند عروس در آب وارد شده و سمت راست ترمیده بزانو می نشیند و با دستور ترمیده در حال نشسته سه مرتبه زیر آب میرود سپس ترمیده سه مرتبه با دو کف دست آب روی او میریزد و موی عروس را گرفته پیشانی او را با آب میزند و با انگشتان دست راست پیشانی او را لمس میکند بعد ترمیده دو دست خود را طاهر میکند و سه مرتبه دستها را از آب پر کرده و عروس از آن آب میاشامد در این حال ترمیده بخواندن دعا میپردازد ، آنگاه انگشت را از دست بیرون آورده زیر عمامه میگذارد و بعروس دستور خروج از آب میدهد و عروس در برابر آتشدان گلی (طریانه) قرار میگیرد و بخور باوداده میشود ، ترمیده در حالی که شیشه ای پر از آب کرده و همراه دارد از آب خارج میشود و در اثناء خواندن صیغه عقد با قطعه ای از نان (پهنه) عروس را اطعام میکند و عروس چند جرعه از آب شیشه نیز مینوشد بعد از آنکه پیشانی عروس با روغن کنجد مقدس چرب شد انگشت او با آب افکنده میشود و ترمیده با عروس دو مرتبه برودخانه

مراجعت میکنند و اعمال اولیه را از نوا انجام میدهند در اینموقع تعمید عروس خاتمه میپذیرد اولباس تر شده را از تن بیرون آورده لباس خشک میپوشد و در این حال آئینه ای که نشانه انجام عقد و تعمید است بدست میگیرد - توضیح اینکه بعد از تعمید تا ۷ روز نباید بعروس و داماد دست زد چون نجس میشوند و باید دو مرتبه تعمید کنند . عروس بهجمله می رود و در پشه بند سفیدی قرار گرفته در انتظار داماد بسر میبرد در اینجا اضافه میشود که این اعمال باید با حضور پسر بچه ای که هنوز بحد بلوغ نرسیده باشد انجام گیرد و این پسر باید یا پسر و یا پسر برادر یکی از روحانیون باشد و اگر پسر از روحانیون وجود نداشته باشد از سایر طبقات محترم که ناقص الخلقه نباشند انتخاب میشود و این پسر در حکم شاهد بوده و بزبان مندائی (اشکندی) خوانده میشود .

تعمید داماد بوسیله ترمیده دوم بنحوی که برای عروس بیان کردیم انجام میشود منتهی هنگام خروج از رودخانه در موقع تغییر لباس کمر بندی بکمر می بندد و بآن کمر بند علامتی که بزبان مندائی (اسکندوله) * نامیده میشود تاهفت روز آویزان میکنند و داماد بسوی مجلس عقد رهسپار میشود ضمناً پس از تعمید ، داماد و عروس مجاز نیستند که بخورند و بیاشامند و یا دخانیات استعمال کنند تا اینکه مراسم صیغه عقد بانجام برسد . ولی اگر دچار تشنگی شدند با اجازه کمنز برآب رودخانه استفاده میکنند .

* اسکندوله کلمه ای مندائی است و بعلامتی اطلاق میشود که تقریباً باندازه سکه ۵ ریالی بوده و روی آن صورت مار و شیر و زنبور و عقرب نقش شده است (به یشت جلد مراجعه شود) مندائیون عقیده دارند که این سکه علامت و شمار دولت قدیم آنان بوده است و معنی اسکندوله را (سکین الدوله) میدانند که بمعنی شمار و نشانه دولت میباشد .

مجلس عقد کنان - نخست کپری از بی نظیف با دوازده ستون

باريك كه با برك خرما بسته شده اند میسازند ، شكل خانه باید بصورت مكعب و هر ضلع آن ۴ متر باشد ، در ورودی این کپر رو بستاره جدی باز میشود و سقف آنرا با پشه بند سفیدی می پوشند ، کپر مزبور از حصیری تمیز مفروش شده و محل اجرای صیغه عقد میباشد ، کنزبرا با دونفر ترمیده و داماد و وکیل عروس که همه لباس دینی پوشیده اند حاضر میشوند ، کنزبرا بیرون از کپر رو بستاره جدی نشسته و ادعیه مخصوصی میخواند ، در اینموقع پسری که زنبیل بدست دارد و در آن زنبیل لباس عروس و داماد و پشه بند زفاف قرار دارد بسوی کنزبرا میرود ، کنزبرا عصای خود را روی زنبیل برای تبرك قرار میدهد ، و آن طفل سبد را برآست و چپ حرکت میدهد و بخانه ای که باید عروسی انجام شود میبرد ، و پشه بند را نصب میکنند ، بعد پسر بچه کوزه تازهای برداشته و بر در خانه محل عروسی باسنگی که جلو در قرار داده اند خرد میکنند ، در این حال یکی از ترمیده ها آفتابه ای از نقره یا فلز سفید دیگری گرفته و بسمت رودخانه میبرد و از آب رودخانه ظرف را پر کرده و دور آن را با پارچه سفیدی محکم می بندد بطوریکه آفتابه دیده نمیشود ، علمای روحانی (کنزبرا با دونفر ترمیده) وارد کپر میشوند و داماد دست را بعمامه کنزبرا برای تبرك میزند ، سپس کتاب مقدس از جلد مخصوص بیرون آورده میشود و ۸ جفت منقل کلی (طرائن) در مجلس قرار داده میشود ، و ترمیده حامل ظرف آب سه دفعه آب در دست کنزبرا ریخته و او آبهارا بدور ظرفها میریزد ، و بعد مقداری کتجد پوست گرفته را بانمک تمیز روی ظرفها میپاشد

و روی هر ظرف گلی قطعه‌ای ماهی پخته با پیاز قرار میدهند بعد ۲۷ قطعه نان فطیر که بوسیله خانه داماد تهیه شده در مجلس می‌آورند و روی هر جفت ظرف ۳ عدد نان می‌گذارند و سه عدد نان باقی مانده جلو کنزبر را گذاشته میشود، بعد یکی از ترمیده‌ها یکی از نانهای جلوی کنزبر را برداشته و پس از دست بدست کردن و خواندن اوراد مخصوص تقسیم میکند و از کیسه‌ای مقداری بادام و گردو و مویز و کشمش و نمک و پیاز بیرون آورده و از مجموع آنها دو لقمه آماده میکند کنزبر او را در مجلس میشود و کیل عروس و داماد جلو او قرار میگیرند و کنزبر را در حالیکه داماد دنباله عمامه او را در دست دارد شروع بخواندن اوراد و تلقین مخصوص نکاح میکند پس از اتمام تلقین و کیل عروس سه مرتبه پیشانی داماد را بوسیده و داماد لقمه‌ای را که قبلاً آماده شده بود از کنزبر می‌گیرد و میخورد و بعد نوشیدنی مخصوصی بداماد میدهند و با این مراسم روزه موقت داماد شکسته میشود و کیل عروس بسمت خانه عروس میرود تا باو لقمه دیگر و آشامیدنی مخصوص بدهد بعد نانها بین حاضرین تقسیم میشود و بقیه آنها برودخانه افکنده میشود، در موقع مراجعت و کیل از خانه عروس در دستش شیشه آب مقدسی است که از رودخانه گام نمید بوسیله ترمیده پر شده بود و در حین آنکه داماد دنباله عمامه روحانی را بدست دارد، تلقین و خواندن ذکر شروع میشود، بعد از فراغت از تلقین، روحانی بادام و و کیل عروس بسوی حجله میروند، و یکی از پسر بچه‌ها مجدداً کوزه دیگری در آستانه در میشکند، روحانی داماد و عروس را دست بدست میدهد و اول شوهر قسم یاد میکند که نسبت بزنی وفادار باشد و او را

آزار نرساند. زن هم متقابلاً قسم یاد میکند که باو خیانت نکند. و مرتکب زشتکاری و بدنامی نشود. سپس داماد طوری مینشیند که عروس پشت سر او قرار گیرد و همین عمل، عروس انجام میدهد یعنی طوری قرار میگیرد که داماد پشت سر او باشد. در این موقع بدستور کنزبرا زن سه مرتبه سر خود را با آرامی بسر مرد میزند. و ضمن انجام این عمل دعاهاى مخصوص خوانده میشود. و کیل عروس انجام مراسم عقد را اعلام میکنند و پیشانی داماد را میبوسد. دوباره عده حاضر با داماد بسمت کپر حصیری که مراسم عقد آنجا بعمل آمد رهسپار میشوند. داماد در وسط جمع مینشیند و کنزبرا برای دفعه آخر اوراد میخواند و عصای خود را سه مرتبه دور سر داماد میچرخاند، و بدین ترتیب صیغه عقد پایان میپذیرد بعد از مراسم عقد زن وشوهر، تا ۷ روز نباید بآنها دست زده شود پس از ۷ روز معاشرت آنان با مردم شروع میشود و حمام ظرفها و اثاثیه باید در آب جاری شسته شود و بعقیده صابون اگر یکی از زن وشوهر در حین عروسی بمیرد پاك نمیشود مگر در عالم برزخ. میزان وجهی که باید بعنوان بخشش باجرااء کنندگان صیغه عقد داد، نسبت بوضع مالی داماد فرق میکند ولی بهر صورت کمتر از ۶ دینار عراقی نخواهد بود (هر دینار فعلاً در حدود ۲۲۰ ریال است) مراسمی که در باره عقد ازدواج و تعمید مربوط بآن ذکر کردیم از کتاب (الصائبون فی حاضرهم و ماضیهم) تالیف آقای سید عبد الرزاق حسنی استفاده شده که مولف در بغداد شخصاً ناظر انجام مراسم عروسی دو نفر بوده و مشاهدات خود را نوشته است ضمناً نویسنده اسامی عروس و داماد را در کتاب خود اعلام داشته است.

دوره عادت و نفاس - بعقیده صابیان کمترین مدت دوره

عادت سه روز و حد وسط ۵ روز و حد اکثر ۷ روز است اما مدت نفاس (مدت پس از وضع حمل) ۳۰ روز است و در مدت عادت و نفاس مواقعه حرام است، پس از انقضاء مدتهای مقرر حائض با لباس کامل سه مرتبه در آب غسل میکند و نفساً یک هفته بعد از نفاس و یکمرتبه هم در خاتمه ۳۰ روز با همان ترتیب غسل میکند البته در مدت حیض و نفاس نمیتوانند با دیگران معاشرت کنند و باید پس از اتمام مدت کلیه ظروف در آب شسته شود.

طلاق - در کیش صابیان طلاق معمول و مرسوم نیست مقررات

مذهب صابی حکم میکند که هر مرد میتواند زنی را بدون اجراء صیغه طلاق رها کند و از او جدا شود، موجبات رها کردن چهار چیز است - ۱ زنا - ۲ عدم انجام غسل حیض و نفاس ۳ - نخواندن نماز ۴ - دزدی . بنابراین هر گاه زن مرتکب یکی از این جرمها شود، و جرمش ثابت گردد، عالم صابی رهایی او را مقرر میدارد منتهی اجرای صیغه طلاق بوسیله علماء اسلام انجام میشود. بر کشتن زن بخانه مرد موکول با اجازه عالم میباشد و باید رجوع با اداء توبه و استغفار و تجدید مراسم زناشوئی همراه باشد.

زن رها شده که طلاق او بوسیله علماء انجام نشده باشد نمیتواند شوهر کند، مگر اینکه شوهر در حیات زن بمیرد. مطابق مقررات مذهب صابی زن زناکار را نباید بکشند لکن بعضی از افراد بواسطه تماس با مسلمانان و ابراز تعصب مرتکب قتل زن همراه خود میشوند.

بر زن مطلقه واجب است سه ماه عده طلاق بگیرد و همین مدت درباره
زنی که شوهرش مفقود شده باشد رعایت میشود و ازدواج صورت نمیگیرد
مگر اینکه این مدت سپری شود .

بین صابیان مرسوم است که زن از طبقه خود انتخاب میکنند
و مجاز نیستند با طبقه بالاتر ازدواج کنند لیکن بزرگان دینی اجازه دارند
که از طبقه پائین تر از خود زن انتخاب کنند .



فصل دوم

تولد و مرگ

تولد برای نوزاد مراسمی باید انجام شود که مهمتر از همه انتخاب اسم و اجرای تعمید است و در فصول پیش در این باره با اندازه کافی بتشریح پرداخته شد. مطلبی که در اینجا اضافه میشود اینست که ختمه در میان صابیان حرام است و از معاصی کبیره بشمار میرود.

مسئله مرگ از نظر صابین - صابین معتقدند که مرگ عبارت از انتقال جسم از عالم خاکی و مادی به عالم دیگر میباشد. و گویند روح بعد از خروج از جسم فنا نمیشود و جاوید است و وضع او بستگی با اعمال نیک و بد دارد چنانچه از مرده کارهای نیکو و پسندیده بوجود آمده باشد روحش به عالم انوار میرود، و اگر مرتکب گناه و زشتکاری شده باشد روحش عذاب و کیفر می بیند، و گویند تعذیب روح وسیله ای برای تطهیر آنست، و معتقدند که يك قسم از عذاب روح انتقال و حلول آن روح به جسم دیگر است، روی همین اصل ثابت میشود که هنوز عقاید اجداد خود را مبنی بر حلول و تناسخ محفوظ داشته اند.

مراسم تغسیل و تکفین - بعقیده این قوم چنانچه پیش از انتزاع

روح از جسم، مراسم تغسیل شخص مشرف بموت فراهم نشود، و روح از کالبد او خارج شود، جسد او نجس بوده و کسی که مرده را لمس

کند ، و او اینکه بعدا نغمید بجای آورد ظاهر نمیشود ، و همانطور نجس باقی میماند ، روی همین اصل غسل در حال احتضار انجام میشود بدین طریق که لباسهای شخص مشرف بمرگ را بیرون آورده و روحانی صابی از درجه حالالی او را در آب جاری با حضور شاهد (اشکندی) در حالیکه روی بجدی می باشد ، میشوید ، و پس از شستشو لباسی شبیه برسته بر تن محضض میکند . سپس او را بخانه آورده و پیش از جدا شدن روح ، قطعه کوچکی از عود آس سبز بالای سرش قرار میدهند هنگامی که روح خارج شد ، کفن را دوخته و مرده را بانی پیچیده و او را بطرف قبر می برند ، دفن مرده باید سه ساعت پس از مرگ انجام شود و چنانچه مرده هنگام عصر یا شب بمیرد دفن او بصبح روز بعد موکول میشود . در هنگام زمستان محضض را با آب نیم گرم و در هنگام بهار و تابستان با آب معمولی میشویند . در میان مسلمانان شایع است که این طایفه ، محضض را خفه میکنند چنانکه در شماره اول مجله مردم شناسی در این باره چنین نوشته شده است (در موقع مرگ تفسیل در کار ایست . زیرا که صوبا ها هیچ چیز را نجس نراز جسد میت نمیدانند و با کمال نفرت از آن گریزان هستند . و نسبت بکسانی که در شرف مرگ هستند عمل بسیار وحشیانه ای انجام میدهند . وقتی یکی از افراد این فرقه بحال احتضار میافتد اقوام و بستگانش او را بقبرستان میبرند و گودالی حفر میکنند . و او را زنده در گور میگذارند . و بعد در اطراف قبر زانو زده و در حال گریه وزاری انتظار آخرین نفس او را میکشند . و پس از جان دادن مقداری خاک روی او ریخته و باز میگردند و این عمل برای آنست که پس از مرگ او از دست زدن بجسد ناپاکش

اجتناب کرده باشند)

مؤلف کتاب (الصابون فی حاضرهم وما ضیهم) که خود در بغداد با بزرگان این قوم در تماس بوده چنین مینویسد : بعضی گویند که صابون مندائی محض را خفه میکنند این موضوع بهیچوجه صحت ندارد و چنین عملی مطلقاً انجام نمیشود اگر کسی بوسیله سکه قلبی یا کیفیات دیگری که پیش بینی نمیکرده بمیرد غسل از برای او انجام نمیشود . چه غسل برای کسانی است که در حال احتضار باشند و در اینمورد جسد حکم گلی نجس دارد و اکتفا میشود باینکه جسد بوسیله یکی از علماء (کنزبر) تعمید شود و بخاک سپرده گردد . اخیراً علمای صابی در باره مرگهای ناگهانی اجازه داده اند که مانند مرگهای عادی عمل کنند . یعنی غسل محض در باره آنها انجام گردد . منتهی جهت اینگونه افراد درعید پنجمه مجلس ختمی (مشخته Mishk hita) فراهم میکنند و معتقدند که بدینوسیله مرده پاک میشود .

مراسم تدفین - پس از مرگ بلافاصله سه دسته ای تمیز و بدون پوست را (مندلثا) که با شرائط خاصی بسته شده و روی بسته با علامت اسکندوله مشخص شده باشد در اطاق متوفی قرار میدهند و کاسه آبی نیز میگذارند ، و معتقدند که روح سه روز بین قبر و خانه در رفت و آمد میباشد ، البته کاسه آب و بسته های بی باید سه روز در اطاق بماند پس از انجام این موضوع نقل مرده بقبرستان و مراسم تدفین شروع میشود . برای نقل مرده چهار نفر از روحانیون (از طبقه حلالی) که سالم و بدون نقص بوده و متاهل و دارای فرزند می باشند ، با لباس

رسته و پای برهنه ، سه مرتبه بدور جسد گردیده آنگاه جسد را از زمین برداشته و روی سر قرار میدهند و بطریقی حمل میکنند که هر چهار نفر پشت سر هم در يك امتداد واقع شوند . و نباید در این حال سخن بگویند و یا گریه و ناله کنند ، و یا کسان مرده خود را بزنند . و خاک بسر کنند چه تمام این اعمال حرام است . و گویند هر قطره اشك در راه روح مرده دریائی میشود و عبور روح را مشکل میکند ، و علت این تحریم را نیز چنین ذکر میکنند که حضرت یحی در موقع مرگ بزوجه خود تاکید کرد ، برای او گریه نکنند ، بلکه شادمان و مسرور باشد . صابیان بواسطه تماسی که با مسلمانان دارند هنگام مرگ کسان خود با وجود منعی که شده زاری و گریه میکنند (در اینجا علاوه میشود که هنگام مرگ علما و روحانیون مراسم مذهبی بدون کم و کاست انجام میشود و گریه و زاری مطلقا صورت نمیگیرد) پیش از کندن گوریکی از حلالیها قطعه ای گل برداشته و پس از آنکه آنرا بصورت دایره در آورد با مهر (اسکندوله) ممهور میکنند ، و در محل گور قرار میدهد و این علامت برای تعیین مکان قبر میباشد . با استقرار این علامت کندن قبر شروع میشود ، روحانی دیگری از درجه ترمیده در حالیکه علم یحی یا علم مقدس مقابلش نصب شده شروع بخواندن کتاب (سدر) میکند اگر مرده از علماء باشد باید علماء هم طبقه او با پای برهنه در حالیکه کتابهای دینی روی سر دارند جنازه را مشایعت کنند ، و بروی این عده علم مقدس باید در حرکت باشد ، تا معلوم شود که فقید از طبقات علماء میباشد .

قبر بصورت مکعب مستطیل حفر میشود و گودی آن نسبت به

سستی و سفتی زمین از ۳ تا ۵ متر میباشد در موقع کندن قبر حفره کوچکی نیز احداث میکنند که (لغم) خوانده میشود و سر تا سینه متوفی در آن جای میگردد. - مرده را بطرف پشت طوری مینویسند که صورت و دو پایش بطرف جدی باشد، سپس دور او را سنگ چین میکنند، سپس از اینسکه ترمیده از خواندن اوراد دینی فراغت حاصل کرد با دو دست در ۲ دفعه خاک بر جسد مرده میپاشد، سپس خاکهای که برای کندن قبر بیرون آورده اند روی جسد میریزند و بدون اینسکه ساختمانی روی گور بنا کنند مراجعت مینمایند. باید در اینجا اضافه کنیم که مقررات کیش این طایفه اجازه نمیدهد مرده را از محل مرگ بجای دیگر منتقل کنند و یا از رودخانه عبور دهند.

پس از تدفین، حلالیهها و کسانیکه در حفر قبر شرکت داشته اند در آب جاری غسل کرده و اسباب و ادوات بکار رفته را میشویند و غذای مناسبی که کسان متوفی فراهم کرده اند میخورند ضمناً باید دانست که مجلس ختم تا ۷ روز بعد از مرگ برقرار است و در روزهای سی و هفتم و چهل و پنجم وفات باز هم مجلسی تشکیل میدهند و مراسمی بجای میآورند.

فصل سوم

زبان و تقویم صابی

زبان صابی - قوم صابی زبان مخصوصی دارند که آنرا معمولا مربوط بزبان های سامی میدانند، این زبان تقریبا از هفتاد سال پیش مورد توجه دانشمندان اروپائی واقع گردید چنانکه دانشمند شهیر آلمانی (نئودرلند که Nöldeke) در سال ۱۸۹۵ میلادی کتاب صرف و نحو این زبان را تحت عنوان (ماندائیش گراماتیک) Mandäisch Grammatik تألیف کرد و شاید بعد از آن چندین کتاب و مقاله دیگر که باین زبان مربوط است، از طرف سایر دانشمندان اروپائی نوشته شده و بچاپ رسیده باشد.

الفبای صابی - الفبای قوم صابی شامل ۲۲ حرف میباشد که بر دیف ترتیب داده شده و از حیث نوشتن از راست بچپ میباشد شکل حروف در ترکیب تا اندازهای شبیه بخط کوفی و از طرفی بی شباهت بخط پهلوی ساسانی نیست، حروف ب. ل. م. س. ش. الفبای صابی شباهتی بحروف متشابه در زبان پهلوی دارند.

تقویم صابی - تقویم قوم صابی بدون ذره ای کم یا زیاد همان سال و ماه دوره ساسانی است یعنی سال را ۳۶۰ روز میدانستند و تقویم

قدیمی صابی باتقویم ایرانی زمان داریوش وفق داشته است .
باید متذکر شویم که اغلب ناخدایان محلی رود کارون و شط العرب
و خلیج فارس اکنون هم سال را عملاً ۳۶۰ روز میدانند و نیز چنین
سابقه ای در اعداد سومریها که در قسمت سفلی بین النهرین ، قبل
از ایجاد شهر بابل میزیستند ، مشاهده میشود . بدین معنی که نزد
سومریها عدد بزرگ مخصوصی (۳۶۰) وجود داشته که بزبان سومری
(شار) گفته میشده است و نیز بنظر میآید که منشأ درجه بندی
دوره کامل به ۳۶۰ درجه که تاکنون در تمام دنیای متمدن معمول
است مربوط بهمدی است که سال را ۳۶۰ روز میدانسته اند .

ماههای صابی - ماههای صابئین همان ماههای عبری میباشد
با این اختلاف که برسر هر ماهی کلمه (هلال) افزوده میشود ،
اسامی ماههای صابئین صرفنظر از (هلال) بدین قرارند .
۱ - تشرین اول - ۲ - تشرین آخر - ۳ - کانون اول - ۴ - کانون
آخر - ۵ - شباط - ۶ - آذار - ۷ - نیرسان - ۸ - ایار - ۹ - حزیران - ۱۰ - تموز -
۱۱ - آب - ۱۲ - ایلول .

و همانطور که اشاره شد سال به ۱۲ ماه تقسیم میشود و هر ماه
سی روز منظور میگردد و ابتداء سال از آغاز ماه نیرسان بحساب میآید .
مبداء تاریخ صابی - صابیان ابتداء تاریخ خود را بدین نحو
حساب میکنند .

یا ابتداء تاریخ را از زمان هبوط آدم منظور میدارند و یا اینکه
سال مبداء را از سال طوفان نوح حساب میکنند در هر دو صورت تعداد
سالها برای آنان مشخص و معین میباشد .

قسم سوم که بیشتر رایج است و ملاک تاریخ اسناد و معاملات آنان می باشد، تاریخ میلاد یحیی بن زکریا است که با تاریخ میلاد مسیح از حیث سال تفاوتی ندارد (توضیح آنکه بعقیده صابیان میلاد یحیی بن زکریا با عیسی مسیح بیش از ۶ ماه فاصله ندارد و حضرت مسیح را پسر خاله یحیی میدانند) و همچنین دسته ای از صابئین بواسطه تماسی که با مسلمانان از نظر بازرگانی و دادوستد دارند تاریخ هجری قمری را بکار میبرند .

روز یکشنبه در میان صابیان روز بسیار مقدسی است و مانند مسیحیان کارهای خود را در این روز تعطیل میکنند و عقیده دارند یکی از فرشتگان بنام (هم بشبه) در این روز برای ارشاد و راهنمایی آنان بزمین آمده است .



فصل چهارم



جمعیت و محل سکونت فعلی صابیان



جمعیت و محل سکونت - بواسطه مقررات سختی که صابیان دارند و مجبورند در ایام سال بدون توجه بزمستان و تابستان ، سرما و گرما ، مراسم تعمید را در آب جاری انجام دهند ، طبیعا در معرض امراض گوناگون ناشی از سرما خوردگی و زکام واقع شده و تلف میشوند . و از طرفی چون ازدواج با غیر را از نظر حفظ خون و نژاد حرام میدانند ، بدین جهت روز بروز از تعدادشان کاسته میشود و رو بانقراض میروند .

تاو رنیه Taver nier جهانگرد معروف فرانسوی در سال ۱۶۵۲ میلادی که از بصره میگذشته عده این طایفه را تنها در بصره یکصد و بیست و پنج هزار نفر ذکر کرده در صورتیکه برابر آمار رسمی دولت عراق ، مدت سه قرن و اندی که از آن تاریخ میگذرد کلیه جمعیت این قوم در حدود شش هزار و پانصد نفر قلمداد شده است و اگر صابیان مقیم ایران را باین رقم اضافه کنیم تعداد این قوم بیش از نه هزار نفر نخواهد بود . *

● عده ای از نویسندگان تعداد صابیان مقیم ایران را در حدود پنجهزار نفر میدانند .

نقاطی که صابیان فعلا سکونت دارند بدین شرح میباشند .

۱- در عراق - شهرهای بغداد - حله - ناصریه - عماره - کوت .

دیالی . کرکوک - موصل - سلیمانیه - کربلا



کارگاه یکنفر صابی

۲- در ایران - شهرهای اهواز - خرمشهر - آبادان - شادگان -

دشت میشان و عده بسیار کمی هم در سایر نقاط پراکنده هستند .

فصل پنجم

صنایع و هنرهای دستی

صنایع و هنرهای دستی صابیان - صابیان مردمانی زحمتکش

و صبور و برد بار بوده و در عراق و نواحی خوزستان از طریق هنرهای دستی، ساختن زیورهای زنانه، و قایقهای باری و مسافری، کسب درآمد میکنند و روزگار میگذرانند. میثاکاری که صنعتی دقیق و مورد توجه میباشد منحصر باین طایفه بوده و با سبکی زیبا و اسلوبی مورد پسند، روی نقره و طلا انجام میدهند. آنچه مسلم است میثا از ترکیب و امتزاج چند فلز با نسبت معین بدست میآید که دقایق و اسرار آن بخارج سرایت نمیکند.

روی طلا و نقره و انگشتر زنانه و مردانه مناظر جالب و طبیعی نقش میشود که از نظر دوام و زیبایی شایان توجه میباشد. دسته‌ای دیگر از این طایفه بکارهای آهنکری و فولاد سازی پرداخته و کارد و خنجر و آلتی شبیه پنجه بانو کهای تیز سهم مانند از آهن میسازند که بیشتر برای صید ماهی بکار میرود.

ال پی - الول ساتن انگلیسی - آثار هنری صابیان را که

روی فلزات قیمتی انجام میگیرد بنام کار (عماره) میشناسد و شاید

سبب آن باشد که در استان عماره عراق هنرمندان صابی نسبت بسایر



کارگاه آهنگری پیرمرد صابی

نقاط بیشتر می باشند و صنعت حکاکی و میناکاری بین آنان رواج بیشتری دارد .

منابع و مأخذ کتاب



کتابهای دینی : ۱ - انجیل ۲ - توراۃ ۳ - قرآن مجید

سایر کتابها

- ۱ - المنجد .
- ۲ - آثار الباقيه عن القرون الخاليه
- ۳ - الفهرست ابن ندیم
- ۴ - ایران نو تألیف ال بی - الول انگلیسی
- ۵ - الصابئون فی حاضرهم وماضیهم
- ۶ - برهان قاطع
- ۷ - بیان لادیان
- ۸ - تاریخ ادبیات ایران تألیف ادوارد برون انگلیسی (ترجمه آقای علی پاشا صالح)
- ۹ - تفسیر ابو الفتوح رازی
- ۱۰ - تاج العروس
- ۱۱ - سالنامه فرهنگ خوزستان سال تحصیلی ۲۶ - ۲۵
- ۱۲ - ملل و نحل شهرستانی
- ۱۳ - مجله مردم شناسی شماره اول
- ۱۴ - مجمع البیان شیخ طبرسی
- ۱۵ - مروج الذهب مسعودی
- ۱۶ - معجم البلدان یاقوت حموی
- ۱۷ - المختصر تألیف ابی الفداء
- ۱۸ - استفاده از مقالات و رسالات بیکانکان درباره مائدهان

فهرست مندرجات

۳-۲

مقدمه

بخش اول

فرق صابیان و تحول در افکار و عقاید مذهبی آنان ۴-۲۰

فصل اول وجه تسمیه و اشتقاق کلمه (صابی) - محل سکونت اولیه صابیان

فصل دوم طبقات مختلفه صابئین (اصحاب روحانیات - ستاره پرستان - بت پرستان - حلولیه و اهل تناسخ - صابئین قرآن - صابئین بطائم (مندائیه) - صابئین حران)

فصل سوم تحول در افکار و عقاید مذهبی صابیان (پرستش مظاهر طبیعت - بت پرستی و نشانه گذاری - دوره تعلیل و تعلیل - پیروی از یوحنا المعمدان)

بخش دوم

عقاید مذهبی صابیان عراق و خوزستان ۲۰-۳۷

فصل اول آغاز خلقة - خلقت آدم - جهان وجود - طوفان نوح - ستاره جدی - جهنم و بهشت - معاد

فصل دوم یحی بن زکریا - تولد یحی - کشته شدن یحی - مدفن یحی

بخش سوم

تحقیق در باره کتابهای مقدس و طبقات روحانیون

و کیفیت انجام، مراسم مذهبی

۶۲-۴۷

- فصل اول** کتابهای مقدس صابئین (کنز اربا - ادر افشادهی - فلسنا - سد رادنشمانا - دیونان - اسفار مالا شیا - انبانی دهقیل زیوا - تفسیر یغره - دساتیر)
- فصل دوم** طبقات علمه اور روحانیون صابی (۱- حلالی ۲- ترمیده ۳- کنزبرا ۴- ارشه ه - ربانی - غذای روحانیون صابی - موارد عزل و کیفر روحانیون صابر)
- فصل سوم** روزه و نماز صابیان (روزه - نیاز طهارت - وضوء اعمال نماز)
- فصل چهارم** تعمید و اقسام آن (رشامه - طماشه - مصوتا - تعمید نوزاد - تعمید زنا شوئی - تعمید افراد - تعمید اعیاد - تعمید روحانیون - یهشه)
- فصل پنجم** اعیاد مذهبی (عید کبیر - عید صغیر - عید پنجه - عید یحی)

بخش چهارم

آداب و رسوم اجتماعی و هنرهای دستی صابیان ۶۲-۸۴

- فصل اول** ۱- ازدواج و طلاق (خواستگاری و تعیین مهر - عقد دوشیزگان - تعمید ازدواج - مجالس عقد کتان دوره ماد و نفاس - طلاق)
- فصل دوم** تولد و مرگ (مسأله مرگ از نظر صابئین - مراسم تفسیل و تکفین - مراسم تدفین)
- فصل سوم** زبان و تقویم صابی (زبان صابی - الفبای صابی - تقویم صابی - ماههای صابی - مبداء تاریخ صابی)
- فصل چهارم** جمعیت و محل سکونت فعلی صابیان
- فصل پنجم** صنایع و هنرهای دستی صابیان

آثار دیگر نگارنده که آماده

چاپ میباشد

۱- مکاتیب قدیم فلسفی یونان تا ظهور

مسیحیت

۲- نظری بگذشته پرافتخار ایران یا

داستانی چند از ایرانیان رادمردی که با

خون خود نهال استقلال این مرز و بوم

را آبیاری کردند.

غلطنامه



خواهشمند است پیش از مطالعه کتاب
اغلاط چاپی پائین را تصحیح فرماید



خط	صفحه	غلط	صحیح
۴	۶	بعضی	بمعنی
۳	۱۳	روابط	رابط
۱۶	۱۴	ولان الذین	ان الذین
۷	۴۰	موات	اموات
۶	۴۵	ارتقاء	ارتقاء
۲۴	۴۵	وجود دارد	وجود ندارد
۱۳	۶۹	اثاثیه	اثاثه